

بدیع جهان آرای الهی را که حضرت شوقی افندی ربانی با وجود هجوم لطمات و بلیات لاشحد و لا تحصی در طول مدت ولایت خویش تأسیس فرمودند خنثی و از حیض (کذا)^(۱) انتفاع و ارتقاء ساقط و هابط نمود، که این عید در این لحظه تاریخی و پر محن چنین اعمال غیر مرضیه از طرف ایادیان را نمی‌توانم نادیده گرفته و یا مورد عفو و اغماص قرار دهم. در سنه^۲ اوایل اظهاری نمودم که شاید به خود آیند و چنین تبلیغات مهلک و انحرافات نابخشودنی و مخرب را یکباره به دور ریخته و در صدد ترمیم و تلافی مافات برآیند، ولی شمری نبخشید و اثری حاصل نگشت، لذا در چنین اوضاع و احوالی بر این عید مستمند فرض و واجب است که فلم بطلان بر روی کلیه این اقدامات سقیمه و غیر منتظره که شدیداً و بارزاً برخلاف روح آیات و آثار الهی است کشیده و به قطع فوری و بلا شرط تصمیمات و اجراءات غیر منصوصه آنان متوسل گردم.

"در چنین موقعیتی بس خطیر و تاریخی به فرد فرد هیئت ایادیان دستور می‌دهم که پیش بییها و نقشه‌های ساخته و پرداخته خود را برای سال ۱۹۶۳ کلاً قطع و کان لم یکن انگارند، و همچنین به کلیه مؤمنین و مؤمنات چه فردا و چه جمعا یعنی محافل موجود در سراسر خطه امراله دستور می‌دهم که لمحهای تعلل روا نداشته و در نزدیکترین فرصت مناسب همکاری و پشتیبانی بی‌دریغ خود را در راه

۱ - حیض که نویسنده بهائی در نوشته خود آورده است، خونبست که از عادات ماهانه زن خارج می‌شود. نویسنده باید "حیز" می‌نوشت که به معنای محل و موضوع است.

اجرای این برنامه‌ها و اهداف سقیمه برای سال ۱۹۶۳ بکلی قطع و بلااثر گذارند. این عهد حداکثر گذشت و اغماض را قبل از صدور چنین دستوری روحانی و تاریخی به عالم بهائی رعایت نمودم، و در عین حال آرزو دارم که ایادیان امر یک بیک و من حیث المجموع به این حقیقت لاریبی واقف گردند، زیرا با اوضاع و احوال موجود الواح وصایای حضرت عبدالبهاء نقض و بساطش منطوی (کذا) گردیده و بالمآل بایستی به طرفه العین از مقاومت و مداومت در مقابل چنین لغزشی و خطای مولمه نادم گردیده و به جبران مافات پردازند... (۱)

حملات سخت و شدید میسن ریعی به ایادیان مبین این واقعیت است که تصمیمات گروه ایادیان درست در جهت خلاف نظری بوده و در خفا تصمیماتی مغایر با خواسته‌های وی اتخاذ می‌کرده‌اند، و این در مجامعی که مباحث و نظرات در پوششی از رمز و راز بهمانند و محیط سرشار از سوءظن و بدبینی باشد طبیعی است. مخصوصا که ایادیان از یک سو به خاطر دوری از رهبر و از سوی دیگر با توجه به سودجویی و خودخواهی گروه رهبران دیگر طبعا به فکر خویش می‌افتند. میسن ریعی در پایان ابلاغیه خود بار دیگر فرمانبرداری مطلق ایادیان را خواستار شده و آنان را از دخالت در امور رهبری برحذر داشته است:

«... ایادیان امراله می‌توانند منحصرا وظائف حارسان امرالهی را در زمانی که تحت عصمت و اراده ولی امراله باشند مجری دارند. و در واقعیت امر هیئت ایادیان به هیچ عنوان استحقاق و اجازه دخالت در حقوق وظائف اجرایی

ولایت امراله را نداشته و ندارند که یا مستقلا و یا از طرف
کسان دیگر آنرا به منصفه ظهور و بروز برسانند . مگر در ظل
سلطه و صیانت ولی امر حاضر . . . " (۱)

متأسفانه بیخبری مخالفان بهائیت و بخصوص مسلمانان که بهائیان
آنها را دشمنان بزرگ و اصیل خود می دانند ، نتوانست دامنه این اختلافات
را وسیعتر کرده این گروه را متلاشی کند .



نقشه ده ساله

آنچه که بهائیان ادعا می‌کنند

شوقی افندی از چند سال قبل از مرگش همیشه دربارهٔ نقشهٔ دهساله و هدفهایی که بایست بهائیت آنها را به مرحله اجرا بگذارد صحبت کرد، گرچه هیچ یک از پیروانش از برنامه‌ها و اهداف تنظیمی او چیزی نمی‌دانستند اما همه منتظر انتشار نقشه دهساله بودند. مهمترین ابلاغیه‌ای که در این باره منتشر شد پیامی است که روز ۳۰ ژوئن ۱۹۵۲ با امضاء شوقی خطاب به همه بهائیان انتشار یافت. وی دربارهٔ نقشه دهساله می‌نویسد: (۱)

“... یاران و دوستان را به دماء مظهری که در سبیل امرالهی و مبارزان بی‌شماری که جام فدا نوشیده‌اند و به جانبازی و شهادت کبرای مبشر اعظم الهی و به مصائب و بلاهایی که شارع مقدس این امر نازنین به کمال تسلیم و رضا قبول فرموده‌اند قسم می‌دهم که هر قدر حصول فتح و فیروزی نهایی بعید و هر اندازه وظایف یاران دشوار و مسئولیت آنان

۱ - با این که خواندن مندرجات همه نوشته (مفلوط و انشاء) بخصوص بهائیان) برای خواننده ملال‌آور است، با این حال عین نوشته را نقل می‌کنیم. امید داریم این نوشته محرمانه که دسترسی بدان برای غیر بهائی مشکل است مورد استفاده خوانندگان و دانش‌پژوهان قرار گیرد.

جسیم و خطیر و ساعات و دقائق پر انقلابی که بشر هراسان و مضطرب در حال حاضر طی می‌نماید مظلوم و تاریک و امتحانات نفوسی که جهت نجات و استخلاص عالم " یعنی بهائیان " قیام نموده‌اند عظیم ، و سیل لهام دشمنان فعلی و همچنین اعدائی که خداوند از روی اسرار و حکم بالفه از داخل و خارج امر برخواهد انگیخت شدید و هرچند امتحان جدائی موقت آنان از قلب و مرکز اعصاب دینشان که در اثر تحولاتیکه نمی‌توان آنها را پیش‌بینی کرد به وجود خواهد آمد ناگوار باشد ، باز مؤکدا قسم می‌دهد که چون این ساعت مبارک یعنی حلول جهاد کبیر اکبر روحانی فرا رسد یا عزمی راسخ و تصمیمی قاطع قیام نمایند و تا مراحل باقیه را نپیموده و یک یک اهداف نقشه‌ای را که بعدا اعلام خواهد گردید به موقع اجراء نگذارند از پا ننشینند و آبش و راحت آرزو ننمایند... " (۱)

شوقی ربانی در اکتبر ۱۹۵۲ تنظیم نقشه دهساله را آغاز کرد و در اکتبر ۱۹۵۴ آنرا به پایان رسانید . ولی هنوز چند جمله و مقابله آن انجام نشده بود که مجبور شد به انگلستان عزیمت کند . شوقی زمانی که احساس کرد روزهای پایان عمرش نزدیک می‌شود به همسرش روحیه خانم گفت که برای تکمیل و امضاء نقشه دهساله وی را یاری کند . روحیه در صدد برآمد او را از اینکار باز دارد و حالت وخیم و بیماری شوهر را مناسب برای انجام این کار ندید اما او گفت :

"خیر من باید آنرا تمام کنم زیرا فکر من را ناراحت کرده و جز مقابله چیز دیگر باقی نمانده است . یکی دو اسم

دیگر هم با پست امروز رسیده که باید به آن اضافه شود و آنرا تمام کنم." (۱)
 اما خود او هنگام تکمیل نقشه گفته بود:
 "... اینکار مرا از بین می برد چگونه ممکن است به آن ادامه دهم...؟"

شوقی ربانی آنروز آخرین اصلاحی که لازم بود در نقشه دهساله انجام داد و صبح روز دوشنبه چهارم نوامبر او را در اطلاقش مرده یافتند.
 نقشه دهساله شامل ۲۸ هدف است که در مدت ۱۰ سال یعنی از ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۳ باید به مرحله اجرا درآید. چهارمین پیشوای بهائیت در دوران حیاتش برای تحقق برنامه دهساله به دو کار تازه دست زد:
 ۱ - هیئت بین المللی انتصابی را به نام جنین بیت العدل انتخاب کرد.

۲ - میمن ریوی که ریاست ایادی را عهده دار بود از جانب وی مأمور انجام اهداف نقشه دهساله شد.
 او امید داشت که مواد بیست و هشت گانه طرح در دوران پیشوایی خودش به مرحله اجرا درآید، و سپس با برقراری جشن در بغداد هیئت بین المللی را به "محکمه علیا" و بعدا محکمه "تشریمیه" و سرانجام به "بیت العدل اعظم" تبدیل نماید. ولی مرگ ناگهانی او اجرای هدفهایش را ناتمام گذاشت. بیست و هشت هدفی که در نقشه دهساله ذکر شده بدین شرح است:

"هدف اول - اتخاذ تمهیدات اولیه جهت تشدید مقام اعز اطهر اقدس انخم جمال قدم و اسم اعظم در قلب حرم اقدس در ارض میعاد در مرج عکاء شمال مدینه منوره بیضا"

هدف دوم - مضاعفه عدد اقالیم که در ظل امر الهی وارد گشته که مستلزم ارتفاع علم دین الله در اقالیم همه باقیه عالم است و شامل جمیع اقالیم مذکوره در الواح مرکز میثاق است که تا به حال در ظل لواء مقصود وارد نگشته. مجموع این اقالیم به یکصد و سی و یک بالغ و شامل چهل و یک اقلیم در قاره آسیا و سی و سه اقلیم در قاره آفریقا و سی اقلیم در قاره اروپا و بیست و هفت اقلیم در قاره امریکا و از این اقالیم فتح بیست و نه اقلیم (۱) به محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده محول گشته که یازده اقلیم از آن در قاره آفریقا و هشت اقلیم در قاره آسیا و شش اقلیم در قاره اروپا و باقی در قاره امریکا واقع و فتح شانزده اقلیم به محفل مرکزی بهائیان هند و برما و پاکستان محول که یازده اقلیم از آن در قاره آسیا و باقی در قاره آفریقا و فتح سیزده اقلیم به محفل مرکزی بهائیان کنده محول که هفت اقلیم از آن در قاره اروپا و باقی در قاره آفریقا واقع و فتح یازده اقلیم به محفل مرکزی بهائیان آلمان و نمسه محول که تماما در قاره اروپا واقع و فتح نه اقلیم به محفل مرکزی بهائیان جمهوریات جنوبی امریکا محول که هشت اقلیم از آن در قاره امریکا و یک اقلیم در قاره آسیا واقع و فتح هفت اقلیم به محفل مرکزی بهائیان در جمهوریات مرکزی امریکا محول که چهار اقلیم از آن در قاره امریکا و باقی در قاره آسیا واقع و فتح هفت اقلیم به محفل مرکزی بهائیان استرالیا و نیوزیلند محول که تماما در قاره آسیا واقع و فتح شش اقلیم به محفل مرکزی بهائیان مصر و سودان محول که تماما در قاره آفریقا واقع و فتح شش اقلیم به محفل مرکزی بهائیان سوئیس و ایتالیا محول که تماما در قاره اروپا واقع و فتح سه اقلیم به محفل مرکزی بهائیان عراق محول که دو اقلیم از آن در قاره آسیا و یک اقلیم در قاره آفریقا واقع.

۱ - مقصود از فتح هر اقلیم - یا منطقه - آنست که یک خانواده بهائی به آن منطقه مهاجرت کرده باشد.

هدف سوم - ازدیاد عدد لغاتی که آثار امریه به آن ترجمه و طبع شده و یا در دست ترجمه است به بیش از دو برابر، و از این لغات جدیده چهل لغت در قاره آسیا و سی و یک لغت در قاره افریقا و ده لغت در هر یک از دو قاره اروپا و امریک متداول، و از این لغات که اکثرش کتاب مقدس انجیل به آن ترجمه گردیده و سی و یک لغت مهم محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده و چهل لغت سهم محفل مرکزی بهائیان هند و برما و پاکستان.

هدف چهارم - استحکام اساس امرالله در یکصد و هیجده اقلیم از اقلیم عالم که در ظل امرالله وارد گشته و شامل بیست و نه اقلیم در قاره امریک و چهل و یک اقلیم در قاره آسیا و بیست و دو اقلیم در قاره اروپا و بیست و چهار اقلیم در قاره افریقا و دو اقلیم در قاره استرالیا است. و از این اقلیم استحکام اساس امرالله در بیست و نه اقلیم به محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده محول گشته که دوازده اقلیم از آن در قاره اروپا و شش اقلیم در قاره آسیا و سه اقلیم در قاره امریکا و باقی در قاره افریقا واقع و چهارده اقلیم به محفل مرکزی بهائیان ایران محول که دوازده اقلیم از آن در قاره آسیا و باقی در قاره افریقا واقع، و چهارده اقلیم به محفل مرکزی بهائیان هند و پاکستان و برما محول که یازده اقلیم از آن در قاره آسیا و باقی در قاره افریقا واقع، و سیزده اقلیم به محفل مرکزی بهائیان در جمهوریات مرکزی امریکا محول که جمعیتش در آن قاره واقع و یازده اقلیم به محفل مرکزی بهائیان بریطانیا محول که نه اقلیم از آن در قاره افریقا و یک اقلیم در قاره اروپا و یک اقلیم در قاره آسیا واقع و ده اقلیم به محفل مرکزی بهائیان در جمهوریات جنوبی امریکا محول که تماما در آن قاره واقع و هشت اقلیم به محفل مرکزی بهائیان مصر و سودان محول که تمامش در قاره افریقا واقع و هفت اقلیم به محفل مرکزی آلمان و نهمه محول که ایضا تمامش در قاره اروپا واقع و هفت اقلیم به محفل مرکزی بهائیان عراق محول که جمعیتش در قاره آسیا واقع و شش اقلیم به محفل مرکزی بهائیان استرالیا

نیوزیلند محول که چهار اقلیم از آن در قاره آسیا و باقی در قاره استرالیا واقع و چهار اقلیم به محفل مرکزی بهائیان کنده محول که سه اقلیم از آن در قاره امریک و یک اقلیم در قاره اروپ واقع و یک اقلیم به محفل مرکزی بهائیان سوئیس و ایتالیا محول و آن در قاره اروپ واقع .

هدف پنجم - مضاعفه عدد مشارق اذکار در جامعه بهائی که مستلزم اقدام به تشیید دو معبد یکی در قاره آسیا در مهد امرالله در ارض طاکه به ام العالم و افق نور موصوف و معوث و دیگری در قلب قاره اروپ در مدینه فرانکفورت که در قلب مملکت آلمان است و از آن کشور بر استعداد انوار امرالهی به فرموده مرکز عهدالله ساطع گردد و اقالیم مجاوره را روشن و منور گرداند .

هدف ششم - تعیین محل و ابتیاع اراضی جهت تأسیس بنیان افخم مشرق الاذکار جبل کرمل در جوار مرکز روحانی و اداری جهانی بهائیان در ارض اقدس .

هدف هفتم - تعیین محل و ابتیاع اراضی لاجل بنای یازده معبد که سه عدد آن من بعد تأیید من الله در قاره امریک یکی در شمال آن قاره در اقلیم کنده (۱) در مدینه تورونتو و ثانی در عاصمه جمهوری پناما و ثالث در جنوب آن قاره در مدینه سانتیاگوی عاصمه جمهوری شیلی تأسیس خواهد گشت و سه عدد دیگر در قاره افریقا یکی در قلب آن قاره در مدینه کمپالا عاصمه اقلیم یوگندا و ثانی در شمال آن قاره در مدینه قاهره عاصمه قطر مصر مرکز عالم عربی و اسلامی و ثالث در مدینه جوهانزبرگ که از مدن مهمه افریقای جنوبی محسوب بنا خواهد شد . و پنج عدد دیگر که در آینده در قاره آسیا و قاره اروپ و قاره استرالیا تأسیس خواهد گشت، که یکی از آن در مدینه الله در جوار بیت اعظم ثالث الحرمین عالم بهائی و دیگری در مدینه دهلی عاصمه خطه وسیع هندوستان ، و ثالث در شمال

قاره، اروپا مدینه استهکلم عاصمه، اسوج، و رابع در جنوب آن قاره در عاصمه، ایطالیا در مدنیه، رومیه که مقر حبر اعظم و محور و مرجع اعلائی اقدام و اهم مذاهب منشعبه، از امت مسیحیه است و خامس در مدینه، سیدنی که اولین مرکز امرالله است و از مدن مهمه، قاره، فسیحه، تائبه، استرالیا محسوب .

هدف هشتم - بنای اولین مؤسسه از توابع و ملحقات ام المعابد غرب در ایالات متحده که در تاریخ امری سابقه و باعث استحکام روابط بین جامعه پیروان امرالهی و ساکنین آن دیار خواهد گشت .

هدف نهم - تعیین وظائف و امتناع دائره اقدامات و خدمات ایادی امرالله در سراسر عالم بهائی .

هدف دهم - تأسیس محکمه بهائی در ارض اقدس که مقدمه، انتخاب و تشکیل اعظم هیئت تشریحیه جامعه پیروان امرالهی و استقرار بیت عدل اعظم در ارض اقدس خواهد بود .

هدف یازدهم - تنظیم و تدوین احکام منصوصه کتاب مقدس اقدس ام الكتاب آیین بهائی ناموس اکبر " میزان الهدی بین الوری و برهان الرحمن لمن فی الارضین و السموات . "

هدف دوازدهم - تأسیس شش محکمه ملی بهائی در اعظم مدن معالک اسلامیة در مدینه الله عاصمه، عراق، عرب و ارض طالعاصمه، کشور مقدس ایران و مدینه، قاهره عاصمه، قطر مصر (کذا!) مرکز، عالم عربی و اسلامی و دهلی عاصمه، هندوستان و کراچی عاصمه، پاکستان و کابل عاصمه افغانستان .

هدف سیزدهم - اتساع دائره موقوفات بین المللی بهائی در دامنه جبل کرمل و مرج عگا .

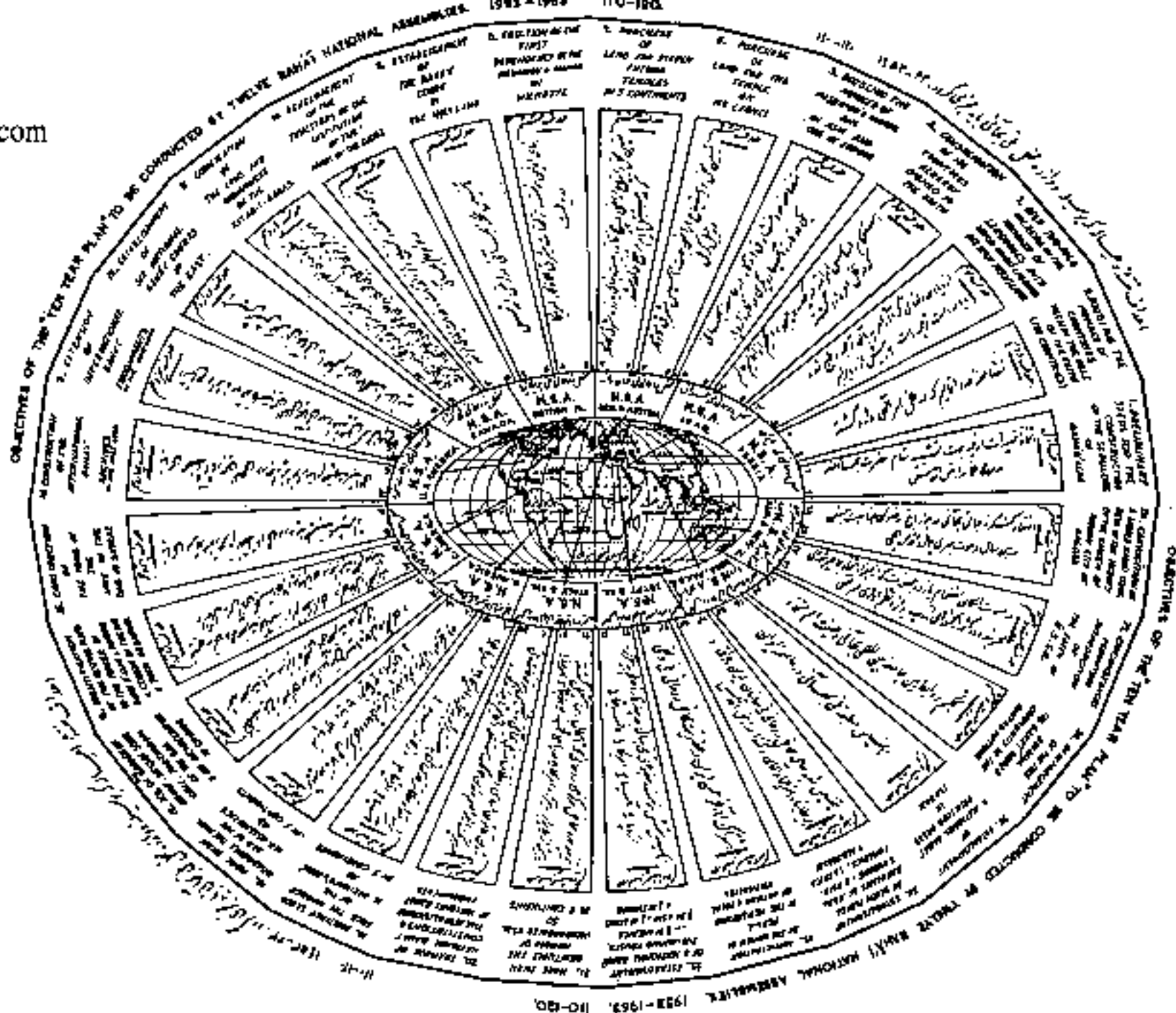
هدف چهاردهم - بنای محفوظه آثار بین المللی در جوار پیرانوار مقام اعلی و در قرب مرقه بقیه البهائ، خاتم اهل بها و رمیسن اطهر بن غصن شهید بهاء و رقه مبارکه، علیها .

هدف پانزدهم - بنای مرقد منور حرم نقطه^۱ اولی در مدینه^۲ طیبه^۳ شیراز .

هدف شانزدهم - تعیین مدفن والد ماجد جمال قدم و اسم اعظم و مخدره^۴ کهری ام نقطه^۵ اولی و ابن خال آن حضرت و انتقال رمس آنان به گلستان جاوید بهائیان در جوار بیت اعظم در مدینه الله .

هدف هیفدهم - تملک باغ رضوان در مدینه^۶ الله و ابتیاع محل و مقر سجن اکبر جمال رحمن در مدینه^۷ تهران و مشهد نقطه^۸ بیان در مدینه^۹ تبریز و محبس آنحضرت در جبل شدید در آذربایجان .

هدف هیجدهم - تزئید عده^{۱۰} محافل مرکزی روحانی به بیش از چهار برابر که مستلزم تشکیل بیست و یک محفل در قاره^{۱۱} امریک و سیزده محفل در قاره اروپ و ده محفل در قاره^{۱۲} آسیا و سه محفل در قاره^{۱۳} افریقا و یک محفل در قاره استرالیا و از بیست و یک محفل مرکزی که باید به همت محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده در قاره^{۱۴} امریک تأسیس گردد . بیست محفل در جمهوریات مرکزی و جنوبی آن قاره و یک محفل در اقلیم السکا در قاره شمالی واقع ، و از سیزده محفل مرکزی که در قاره^{۱۵} اروپ تأسیس خواهد گشت دوازده محفل به همت محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده در عواصم معالک مستقله اسوج و نروج و لگهمبورگ و بلجیک و دانمارک و هلند و فرانسه و فینلند و پرتقال و اسپانیا و سویس و ایطالیا و یک محفل دیگر به همت محفل مرکزی بهائیان آلمان در عاصمه مملکت نهمه تشکیل خواهد شد ، و از ده محفل مرکزی که در قاره آسیا من بعد تأسیس می گردد چهار محفل به همت محفل مرکزی بهائیان هند و پاکستان و برما در عواصم جزیره^{۱۶} سیلان و برما و پاکستان و در منطقه^{۱۷} واقع در شرق جنوبی قاره^{۱۸} آسیا در مدنیه^{۱۹} جاکارتا عاصمه^{۲۰} مجمع الجزایر ایندونزی و سه محفل به همت محفل مرکزی بهائیان ایران در عربستان در جزیره^{۲۱} بحرین و عاصمه^{۲۲} ترکیه و عاصمه^{۲۳} افغانستان و دو محفل به همت محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده در عاصمه^{۲۴} زاپان و در جزایر محیط اعظم در مدینه سودا عاصمه جزایر فیجی و یک محفل به



اولی یک کارم در موم و موسم، بیرون در طیف شونده و چون در سینه شل کرده و از نقل باغی اندیشه شونده درون رابع بر افکاره و افکاره زود نماید و از آن است و نظرات و انتقادات علم افشرد و مضطرب گردد
 بنده و کل بیرون آید و بر باغی زود کرد و در این استیفاست قدم برین گذارد و مانند گذارد

همت محفل مرکزی بهائیان عراق در شرق ادنی در ارض با تشکیل خواهد گشت و از سه محفل مرکزی که در قاره^۱ افریقا تشکیل می‌گردد یک محفل به همت محفل مرکزی بهائیان بریطانیا و موسوم به محفل مرکزی بهائیان افریقای شرقی و مرکزی و مرکزش در مدینه^۲ کمپالا و دیگری به همت محفل مرکزی بهائیان ایالات متحده و موسوم به محفل مرکزی بهائیان افریقای غربی و جنوبی و مرکزش در مدینه^۳ جوهاننیزبرگ و دیگری به همت محفل مرکزی بهائیان مصر و سودان و موسوم به محفل مرکزی بهائیان در شمال غربی افریقا و مرکزش در مدینه^۴ تونس و محفل مرکز اخیر به همت محفل مرکزی بهائیان قاره^۵ استرالیا در عاصمه^۶ جزیره^۷ نیوزیلند در مدینه^۸ اوکلند تأسیس خواهد گشت .

هدف نوزدهم - تزئید تعداد حفاثر قدس ملی به همت برابر که مستلزم تأسیس بیست و یک حظیره در قاره^۹ امریک و پانزده حظیره در قاره اروپ و نه حظیره در قاره آسیا و سه حظیره در قاره افریقا و یک حظیره در جزیره نیوزیلند و حظیره‌ئی دیگر در مدینه لندن ، و این حفاثر قدس ملی در جمیع عواصم و مراکزی که در آن در سنین آتیه محافل مرکزی تأسیس خواهد شد استقرار خواهد یافت .

هدف بیستم - تدوین قانون اساسی و نظامنامه ملی بهائی و تأسیس موقوفات ملی در هر یک از عواصم و مدن معالک مستقله و اقالیم تابعه^{۱۰} مذکوره .

هدف بیست و یکم - تزئید عدد محافل مرکزی روحانی که تا به حال رسماً تسجیل گشته به بیش از پنج برابر که مستلزم تسجیل هر یک از محافل مرکزی ملی که من بعد تأسیس خواهد یافت و به اضافه تسجیل محفل مرکزی بهائیان ایران و عراق .

هدف بیست و دوم - تأسیس شش مؤسسه مطبوعات ملی بهائی که دو مؤسسه از آن در قاره آسیا یکی در طهران و دیگری در عاصمه^{۱۱} هندوستان و یک مؤسسه در قاره^{۱۲} شمالی امریک در شهر ویلمت و دیگری در قاره^{۱۳} جنوبی در مدینه^{۱۴} ریوو دو جانه رو و مؤسسه دیگر در قاره افریقا در مدینه^{۱۵} قاهره و

دیگری در قاره اروپا در مدینه فرانکفورت تأسیس خواهد گشت .

هدف بیست و سوم - اشتراک اماء الرحمن ایران در عضویت محافل روحانی ملی و محلی .

هدف بیست و چهارم - تأسیس شعبه‌های محافل روحانی ملی بهائیان ایران و عراق و بریتانیا و استرالیا و آلمان و کنادا در ارض اقدس بر حسب قوانین و مقررات حکومت جدید التأسیس اسرائیل .

هدف بیست و پنجم - تأسیس مطبوعه ملی بهائی در عاصمه ایران .
هدف بیست و ششم - تحکیم روابط بین جامعه بین المللی بهائی و هیئت امم متحده .

هدف بیست و هفتم - در صورت امکان انضمام یازده جمهوری که از اجزاء اتحاد جماهیر شوروی محسوبند و دو کشور از کشورهای اروپا که مرتبط و تحت نفوذ آن هیئت است به دایره نظم اداری امرالهی به واسطه محافل مرکزی بهائیان در ایران و امریکا و آلمان .

هدف بیست و هشتم - که هدف اخیر و مسلک الختام این جهاد عظیم و کبیر است انعقاد کنگره جهانی بهائی در جوار باغ رضوان که ثالث الحرمین عالم بهائی است به مناسبت جشن افخم اعز اعظم که مقارن با صدمین سال دعوت جبهری جمال قدم و ارتقاء آن موعود امم و محیی روم بر سریر سلطنت الهیه خواهد بود و در سراسر عالم بهائی بر خواهد گشت . . . " (۱)

۱ - اهداف بیست و هشت گانه که در بالا آمد از ص ۴۵ تا ۵۶ توفیق نوروز یکصد و ده ، چاپ تهران نقل شده است . این رساله در ۶۵ صفحه با ماشین تحریر افست شده و به قطع رقعی انتشار یافته است .

طرد ریمی و بهائیان دیگر

ابلاغیه، میسن ریمی و اخطار و تهدیدهای شدید اللحن او که کسی را اجازه دخالت در امور بهائیت نخواهد داد، حتی تأکید روی این نکته که وی تنها جانشین شوقی افندی و پنجمین رهبر بهائیان است نه فقط مشکلی را حل نکرد بلکه بیش از پیش آتش اختلافات را دامن زد و بر وسعت آن افزود و اکثریت بهائی که طرفدار دسته بهائیان انگلیسی بودند، به تهدیدهای او وقعی ننهادند.

اگر در گذشته اختلافات خاصی با رهبری یکی و کنار ماندن دیگری به پایان می‌رسید، بعد از مرگ شوقی ربانی با انحلال "بیت العدل اعظم" یا "شورای بین المللی بهائیان" و برکناری "ریمی" جانشین شوقی و رئیس این شورا اختلافات رسماً به صورت انتصاب جلوه کرد و گروههای مخالف با قاطعیت رو در روی یکدیگر ایستادند. (۱)

مخالقان "ریمی" یعنی دسته طرفدار انگلیس و روحیه خانم ماکسول همسر شوقی، به این اقدام هم اکتفا نکرده با طرد و اخراج بهائیان که به نحوه اداره بهائیت اعتراض می‌کردند دامنه اختلافات را وسیع تر کردند.

۱ - این نوشته شوقی می‌رساند که در بهائیت انتقاد، بحث و گفتگو، کفر محض است و "امر اله"ها باید بدون چون و چرا برده و بنده باشند و دستورات خلق الساعه را رعایت و اجراء کنند.

در حالی که شوقی ربانی می‌گوید:

"... ایادی امرالله باید بیدار باشند به محض اینکه نفسی بنای اعتراض و مخالفت با ولی امرالله گذاشت فوراً آن شخص را اخراج از جمع اهل بهاء نمایند و ابداً بهانه‌ای از او قبول ننمایند، چه بسیار که باطل محض به صورت خیر در آید تا القای شبهات کند..." (۱)

این دستور چهارمین پیوسته‌ای بهائیت نه تنها از طرف مخالقات یعنی کارگردانان کنونی بهائیت اجرا نشد، بلکه اینان موفق شدند علیرغم توصیه شوقی افندی حتی جانشین خود او را نیز اخراج کنند.

کارگردانان فعلی بعد از طرد "عیسای ریمی" بتدریج شروع به اخراج و طرد بهائیان که خواستار اجرای نظرات شوقی افندی بودند نیز شدند. با اینکه شوقی گفته است:

"طرد و اخراج افراد از شریعت‌الله جزء اختیارات خاصه ولی امرالله یعنی رئیس عالی‌روحانی جامعه می‌باشد" (۲)
همچنین عبدالبهاء نیز تأکید کرده است که:

"طرد روحانی نفوس و اعاده نفوس مطروده به جامعه‌اوا از اختیارات خاصه و حقوق مسلمه ولی امرالله است و بس" (۳)

اما با همه اینها کارگردانان کنونی بهائیت که خود را بحق جانشین "شوقی ربانی" و "بیت العدل اعظم" می‌دانند موفق شدند چندین صد نفر را در ایران و خاورمیانه و چند هزار نفر را در آمریکا از محافل بهائیت

۱- الواح وصایا، عبدالبهاء، ص ۲۶

۲- نظامات بهائی، ص ۸۵

۳- همان مأخذ، ص ۸۲

اخراج کنند. (۱) هنگامی که مسئله اخراج و طرد "ربی" و سایر بهائیان مطرح بود، بهائیان ایران ترجمه توفیق شوقی را به تاریخ ۱۱ اپریل ۱۹۴۹، را که به افتخار محفل روحانی ملی بهائیان امریکا صادر شده و در "اخبار امری امریکا به شماره ۲۲۵" و "اخبار امری ایران" شماره ۶ سال ۱۵۶ بدیع بموسیله "ذکرالله خادم" ترجمه و چاپ شده بود، مجدداً به صورت پلی کپی منتشر کردند. در این توفیق که عیناً نقل می شود، چنین نوشته شده است:

"حضرت ولی امرالله مانند سلف خویش حضرت عبدالبها" نظر مبارکشان آنست که مناسب نیست به احدی یا محفلی اجازه داده شود نفسی را از امرالله طرد نمایند. در اینجا فرق مبینی است بین محروم نمودن شخصی از حق انتخاب که در حقیقت تنبیه شدید انتظامی است و اعلان طرد نفسی که در ظل امر بوده و حال به مرض روحانی مبتلا گردیده است. بعبارة اخیری نفسی که حضرت عبدالبها" مرض روحانی او را قبل از صعود مبارک در آخرین تلغراف خویش به امریکا به این نحو توصیف فرموده اند که "هرکس با مجذوم نشیند به جذام مبتلا گردد" حضرت ولی امرالله در سنوات اخیر ملاحظه فرمودند که اساس محافل روحانیه ملیه به نحوی مستحکم گردیده است که حال قادرند موضوع محروم نمودن فردی از بهائیان را از حق انتخاب تصویب نمایند. ولی احدی جز ذات مبارک ولی امرالله را یارای آن نیست که مرض جذام روحانی نفوس را اعلان نماید. این نفوس را ما ناقضین عهد و میثاق الهی مینامیم و احدی هم نمی تواند ناقضی را به جامعه اعاده دهد و همچنین به هیچ محفل روحانی ملی هم، چنین حقی اعطا نشده است. از این رو

هیچیک از محافل روحانیه علیه هم قادر نیستند دربارهٔ طرد روحانی و یا اعادهٔ احدی به جامعه تجدید نظر نمایند ، و تنها وظیفه محفل روحانی ملی آنست که هر وقت با ناقضی مواجه گردد موضوع را به حضرت ولی امرالله عرض کند و وجود مبارک بنفسه دربارهٔ او تصمیم اتخاذ خواهند فرمود " حیف است بعضی از احبای غرب از روی کمال سادگی و بساطت این حقیقت را کاملاً درک ننمایند که مطلقاً هیچ امری ناقضین را اعم از آنکه ناقضین عهد و میثاق حضرت بهاءالله و یا حضرت عبدالبهاء باشند از شریعتالله خارج نمی کند ، مگر علت و مرض روحانی داخلی خودشان ، و اگر چنین نفوس از مرض رهایی یابند و سالم گردند و بخواهند در خدمت امرالله وارد شوند باید راساً به حضرت ولی امر مراجعه نمایند و حضرت ولی امرالله اخلاص آنان را قضاوت خواهند فرمود و اگر واقعا انابهشان از روی خلوص باشد آنان را در صف ثابتین وارد و محشور خواهند فرمود ، چنانچه نسبت به سیدنی اسپریک همین معامله را فرمودند . متأسفانه ناخوشی کسی که مریض است به صرف ادعای اینکه من بیمار نیستم رفع نمی شود ، بلکه وضعیات و علائم بهبودی مریض باید معنی گواهی دهد . یحتمل در بین مردم دنیا همین گروه نرم زبان تر از کسانی که در زوایسای قلب و در سلوک و اعمالشان دشمنان مرکز عهد و پیمان اند یافت نشود ، و همین دسته‌ئی از نفوس هم به این اندازه فریاد و کوس بیگناهی بلند ننمایند . حضرت عبدالبهاء این نفوس را خوب می شناختند و به همین جهت بود که فرمودند باید از معاشرت با آنها اجتناب نمود و در عین حال هم درباره آنها دعا کرد . اگر مریض جسذامی را در اطاعتی با اشخاص سالم قرار

دهید صحت و عاقبت نفوس تندرست در مجذوم سرایت ننماید، ولی بالعکس بسیار محتمل است که اشخاص سالم به مرض پلید و مسری جذامی مبتلا گردند.

پنجمبر یا امام زمان

اختلافات دیرین

دیدیم که باب و بهائیت از آغاز پایه‌های ادعایش برانشعاب، مخالفت و تضاد استوار بوده است. بدین معنی که جز در دوران کوتاه پیدایش تا مرگ خود میرزا علی محمد باب، هر کس از سویی سر بر می‌دارد و داعیه‌ای دارد، تا آنجا که میرزا حسینعلی نوری (بهاء‌الله) به خاطر تحکیم موقعیت خویش ناچار می‌شود اصولاً وجود "باب" را نفی کند، او را تنها مبشری برای ظهور خود بشمارد، خود دعوی امامت، نبوت، الوهیت کند و جانشین و وصی واقعی باب (میرزا یحیی صبح ازل) را به گور فراموشی و انزوا بسپارد، میرزا حسینعلی که در آغاز کار خویش، یعنی پس از مرگ باب و شروع "بابی‌کشی" در تهران، برای نجات جان خود، حتی باهی بودن خویش را انکار می‌کند، برای مجاب کردن پیروان واقعی باب (طرفداران صبح ازل) حتی کتاب اساسی او را از بین می‌برد و چون در عربی دستی بیشتر از باب دارد، آیه‌هایی در رد او نازل می‌کند و به فکر می‌افتد که مسئله "باب" بودن، یا خود امام بودن را به نحوی حل و فصل کند، که مورد پسند همه پیروان فرقه جدید - اعم از بابی و بهائی - قرار گیرد.

اما پس از اینکه موقعیتش در خارج از ایران مستحکم می‌شود، حتی باینکار نیز احتیاجی نمی‌بیند، وقتی کسی خود بتواند دعوی الوهیت کند، دیگر نیازی به "باب" - در امام - یا "خود امام" بودن نیست. پیروان صبح ازل نیز که در اقلیت مانده بودند و رئیسشان کاربری و قدرت رهبری میرزا حسینعلی را نداشت، به تدریج یا تغییر آیین داده، به گروه بهائیان

پیوسته بودند (چرا که دیگر از اینطرف راهی نبود ، نمی توانستند همه حرفها و اعتقادات خود و پدران خود را تکذیب کنند و به مسلمانان - مخصوصا شیعیان - بپیوندند) یا بکلی قید آیین و مذهب جدید را زده و "عطا"ی آن را به "لقا"یش بخشیده بودند .

اما تردیدی نیست که حتی پس از گرویدن به پیروان " بهاء الله " ریشه های اختلاف همچنان در وجود آنان و فرزندانشان به جای مانده بود . آنها هنوز در بسیاری از مسائل که در آغاز کار از ناچاری آن مسائل را پذیرفته بودند ، شک داشتند ، به همین جهت همین که پس از مرگ شوقی ربانی ، گره اختلافات باز شد و توده های بهائی دانستند در پشت پرده چه خبرهاست و گروه طرفداران انگلیسی و امریکا ، چگونه علیه یکدیگر توطئه و تحریک می کنند ، بار دیگر زخمهای کهنه سر باز کرد و مسائلی که تصور می شد با تحکیم رهبری " بهاء الله " دیگر منتفی شده است از سر نو جان گرفت ، که نمونه زنده آن موضوع " مهدویت " است .

در بهائیت مسئله " قائم موعود " ، ادعای " مهدویت " و ظهور امام زمان ، یکی از ارکان اساسی است که رهبران فعلی در سالهای اخیر می کوشند - به هر ترتیب که شده - آن را مخفی نگاه دارند ، و یا کمتر درباره آن بحث کنند . شوقی ربانی اشاره به نامه ای که به بهائیان امریکا در " تبیین مقام حضرت باب " نوشته شده ، کرده و می نویسد :

" ... به عظمت بی مثل ظهور حضرت بهاء الله که حضرت باب خود را مبشر حقیر و خاضع آن خوانده است اجمالا اشاره گشت ، حضرت اعلی که بعمده (۱) (بفرموده) حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب ایقان همان قائم موعودی است که بنفسه بیست و پنج حرف از بیست و هفت حرفی را که جمیع انبیاء مأثور به بیان آن بوده ظاهر فرموده است بر اعظمت و اکملیت ظهور متعاقب خویش شهادت داده ... " (۲)

نویسنده سپس یک جمله از کتاب بیان فارسی را به شهادت طلبیده ،
می نویسد :

“ . . . نطفه ظهور بعد اقوی از جمیع اهل بیان بوده
و خواهد بود . . . ” (۱)

جالب ترین نظریه ای که برای نشان دادن عظمت پیشوایان بهائیان
ایراز شده لوحی است که عبدالبهاء به زبان فارسی برای قوم و پیروان خویش
نازل کرده است . او در این لوح سعی می کند ظهور باب و بهائیت را از جمله
پیشگویی های دیانت زرتشت دانسته و این حوادث را با ارقام و اعداد به
اثبات برساند . بهاء الله در لوحی که به افتخار یکی از احبای معروف زردشتی
صادر گردیده ، گوید :

“ . . . در خصوص توقف آفتاب مرقوم نموده بودی که
در کتاب زردشتیان مرقوم است که در آخر دوره مقرر است
که این توقف در سه ظهور واقع گردد .
در ظهور اول ده روز آفتاب در وسط آسمان توقف نماید .
در ظهور ثانی بیست روز .
در ظهور ثالث سی روز .

بدانکه ظهور اول در این خبر ظهور حضرت رسول (اکرم -
صلی الله علیه و آله) (۲) است که شمس حقیقت در آن برج
ده روز استقرار داشت و هر روز عمارت از یک قرن است و آن
صد سال به این حساب هزار سال می شود و آن دور و کور
محمدی بود که بعد از غروب نجوم امامت تا ظهور اعلی
هزار سال است .

و ظهور ثانی ظهور نقطه اولی روحی له الفدا است

۱ - کتاب دور بهائی ، ص ۱۵

۲ - در متن کتاب (ص) ذکر نشده است .

که شمس حقیقت در آن دور بیست سال در آن نقطه استقرار داشت . بدایتش سنه ۶ شصت هجری بود و نهایتش سنه ۶ هشتاد .

و در دور جمال مبارک چون شمس حقیقت در برج آلهی که خانه شمس است طلوع و اشراق فرمود مدت استقرارش عدد سی بود که آن نهایت مدت استقرار آفتاب است " یک برج تمام . معینا امتدادش بسیار افلا یانصد هزار سال" . (۱)

شوقی ربانی برای اینکه "بہائیت" را تثبیت کند و آنرا دنباله دین اسلام قلمداد نماید به بہائیان توصیه می کند که آنان شریعت اسلام و ظهور حضرت محمد (ص) را امری مستقل و از جانب خداوند بدانند . او اشاره به لوح فوق الذکر بہاء اللہ نموده می گوید :

" در این بیانات تدریجا دلالت بر حقانیت امامت یعنی سلاله ظاہرہ می دارد کہ حضرت باب از فرد ممتاز آن منشعب و آن سلاله مدت دو بیست و شصت سال واسطه فیض الہی بوده و یکی از ثقلین شہین شریعت مقدسہ اسلام بہ شمار می رفته . . . " (۲)

شوقی ربانی ضمن اعتراف بہ نبوت حضرت محمد (ص) ، این امر را دلیل بر "استقلال شریعت باب" (۳) دانستہ ، لیکن معتقد است کہ چون ظهور ہر مذهب و دیانتی ، مکمل ظهور قبلی است و لذا "ظہور" میرزا علی محمد باب و "شریعت پیشنہادی" او را پایہ اصلی پس از اسلام دانستہ ، منتہی بہاء اللہ را بر او ترجیح داده می نویسد :

۱ - دور بہائی ، ص ۱۵

۲ - دور بہائی ، ترجمہ فارسی ، ص ۱۵

۳ - دور بہائی ، ص ۱۱

"... صرف نظر از فضیلت و امتیاز ذاتیه دیگری که ممکن است برای آئین بهائی قائل بود، این نبوت به تنهایی دلالت بر قدرت و عظمت بی نظیر ظهور حضرت بهاء الله می نماید. ظهوری که برای فهم قوای ممکنه آن طفل سبق خوانیم و هرگز به درک ظهورات و بروزات کامله آن موفق نخواهیم شد..." (۱)

شوقی افندی در جای دیگر در فضل "حضرت باب" عقیده دیگری ابراز داشته، و میرزا علی محمد باب را هم پیغمبر و هم امام زمان دانسته، چنین می نویسد:

"... احبای عزیز یکی از حقائق اساسیه ای که در امر حضرت بهاء الله صریحا مذکور و باید اهل بهاء کماهی بدان معترف باشند آنست که حضرت باب مؤسس شریعت بابیه از جمله مظاهر مقدسه الهیه و دارای سلطنت و اقتدار مطلقه و حائز کلیه حقوق و مزایای رسالتی مستقله است، و به نظر این عبد این نکته محتاج به تصریح و تبیین است که حضرت اعلی فقط مبشر ظهور بهائی نیست، بل چنانکه خود در کتاب بیان فارسی تصریح فرموده همان موعود مقدسی است که به ظهورش موعود جمیع انبیای سلف تحقق یافته است..." (۲)

شوقی افندی برای اینکه استحکامی به عقاید و نظریاتش بدهد ادعای دو مقامی بودن میرزا علی محمد باب را مثال آورده می نویسد:

"شکی نیست ادعای حضرت اعلی مشعر بر اینکه دارای دو مقام بوده اند خود اعظم وجه امتیاز دور بهائی است. این ادعای صریح و قطعی حضرت باب کرارا مورد تصدیق

حضرت بهاء الله واقع و الواح و صاپای حضرت عبدالبهاء نیز بران گواه است. و این ادعا خود دلیل دیگر بر امتیاز امر بهائی بوده به مراتب بر قوه و قدرت معنویهای که به این کور مقدس عنایت شده می افزاید. در حقیقت عظمت حضرت باب نه فقط از آن لحاظ است که من عندالله به تبشیر چنین ظهور منیعی مبعوث گشته، بلکه بیشتر از آنجهت است که با قدرت و اختیارات انبیای اولوالعزم ظاهر شده و عمای رسالت مستقله را به نحوی که در هیچیک از ظهورات قبل سابقه نداشته در ید اقتدار گرفته است.

دوره کوتاه امر حضرت باب و محدودیت دائره اجرای احکام و فرائض حضرت نباید به هیچ وجه میزان سنجش حقانیت و عظمت امر آن حضرت قرار گیرد. . . . " (۱)

شوقی افندی به کسانی که نسبت به "دو مقام"ی "حضرت اعلی" شک داشته اند اخطار کرده می گوید:

"اساس عقائد اهل بهاء روحی لهم الفداء حضرت رب اعلی مظهر وحدانیت و فردانیت الهیه و مبشر جمال قدم حضرت جمال ابهی روحی لاحیائه الثابتین فدا مظهر کلمه الهیه و مطلع حقیقت مقدسه ربانیه و مادون کل عباد له و کل بامرہ یعلمون . . ." (۲)

اما مجموعه همین گفتارها و تفسیر و تأویلها باعث شد که پس از مرگ شوقی افندی هر گروه مخالف به یک نکته آن استناد جویند و اختلافی را که

۱ - دور بهائی، ص ۴۲

۲ - دور بهائی، ص ۴۳

بین بهائیان گروه انگلیس و امریکائی آغاز شده بود و با طرد میسن ریمی به نفع گروه انگلیسی تمام شد. بیش از پیش دامن زنند، و اساس جدیدی که برای فرقه بهائیت به وجود آوردند، به هیچ وجه شبیه آنچه که گذشتگان ادعا می‌کردند و می‌گفتند نیست. بنابراین باید قبول کرد که بهائیت نه "دین و آئین" است و نه "امامت" و بلکه خودساخته و به معجون عجیبی شبیه است.

روحیه ماکسول

عایشه بهائیان

تا اینجا چند بار از "روحیه خانم ماکسول" همسر شوقی افندی - چهارمین پیشوای بهائیان - نام برده ایم ، و به اختصار از اختلاف او با "میسز ریسی" امریکائی - کسی که به فرمان شوقی باید پیشوا و رهبر بهائیان می شد - سخن گفته ایم ، اینک می خواهیم بدانیم که اصولاً این زن کیست ... ؟ و چگونه توانست در مبارزه و انشعاب بهائیان بر ریسی و پیروان نیرومند او پیروز شود ... ؟

در نظر عده‌ای از بهائیان روحیه ماکسول همسر شوقی ربانی نقش "عایشه" را در دین‌اللام بعد از حضرت رسول (ص) بازی کرده و می‌کند . آنها معتقدند همانطور که عایشه نازا و عقیم بود و در دیانت اسلام فتنه‌ها برپا کرد ، روحیه ماکسول نیز به علت نداشتن فرزند بعد از مرگ شوقی بخاطر لذات دنیوی و مقام پرستی ایجاد نفاق و انشعاب در بهائیت را باعث شد . با اینکه "روحیه خانم" می‌دانست که در سال (۱۳۵۸ شمسی - ۱۹۲۹ م) شوقی ربانی "ایادی امرالله" را تعیین کرده و در (۱۳۳۵ ش - ۱۹۵۱ م) فرمان تشکیل "جنین بیت العدل اعظم" را صادر کرده است و جانشینی به نام "میسز ریسی" برای خود برگزیده است با اینحال وی پس از مرگ همسرش "سیاست مخصوصی" را "که شاید" از خارج تلقین شده بود " در پیش گرفت و همه انتخابات و انتصابات انجام شده را ملغی کرد .

نویسنده نشریه شماره ۹ آثار لجنه^۱ امری تهران، نقش روحیه خانم را در بهائیت با "عایشه در اسلام" تطبیق کرده چنین می نویسد:

"... عایشه به سبب عقده نازائی نسبت به فاطمه^۲ زهرا (علیها سلام) رشک می برد و نسبت به حضرت علی (ع) خصومت می ورزید. بنابراین معلوم می شود که وجود آن زن و اقدامات او بعد از رحلت حضرت رسول اکرم (ص) باعث بروز اختلاف و انشقاق در دیانت مقدسه اسلام شد. حال قدری تأمل فرمایید که در شریعت اسلام اگر پای عایشه در میان نبود و یا عقده نازائی او را محرک نمی گشت آیا ایادی و اصحاب خاص رسول الله (ص) بر علیه من کنت مولا^۳ فهذا علی مولا^۴ (ع) قیام مینمودند، و خیال نقض عهد و میثاق الهی را در سر می پرورانیدند؟ حاشا و کلا، باری بعد از صعود حضرت ولی امرالله تاریخ تکرار شد... پس از صعود مبارک اصحاب خاص آنحضرت یعنی حضرات ایادی تحت تأثیر حرم اقبالیه^۵ روحیه خانم قرار گرفتند و چون روحیه خانم مانند ام المؤمنین حرم رسول الله عقیق و به عقده نازائی مبتلا بود و نمی توانست او امر رئیس بیعت العدل انتصابی ولی امرالله را اطاعت کند، لذا ایادی امرالله را به نقض عهد و میثاق الهی دلالت نمود و حضرات ایادی... به موت و هلاکت روحانی دچار گشتند و بنای رکن نظم بدیع الهی را که به دست ولی امر عزیز امرالله بنا شده بود منهدم نمودند..." (۱)

انشعابيون و مخالفان سازمان کنونی بهائیت "روحیه خانم" نازا و عقیق را برهم زن اساس عقیده و شالوده آخرین پیشوای بهائیت و سایر پیشوایان

دانسته درباره اش چنین می‌گویند :

... باری آن بیت العدل جنین ولی الله (یعنی آنچه که شوقی ربانی ساخته بود) رئیس انتصابی داشت و این بیت العدل زاده حرم رئیس ندارد . بیت العدل جنین ولی امرالله از حد خود تجاوز نمی‌نمود و منصوصات الهیه را نسخ نمی‌فرمود ، ولی این بیت عدل فعلی تا به حال نصوص متعددی را فسخ نموده است :

بیت عدلی که زاده حرم است نسخ امر هادی‌امم است (۱)
کرده خود را الی الابد ننگین چون به نسخ نصوص متهم است

اختیار طلاق

به موجب اسنادی که "لجنه" امری تهران " در اختیار دارد چهار سال پیش از درگذشت شوقی افندی مابین زن و شوهر اختلاف روی داد و آخرین پیشوای بهائیت همسرش "روحیه" را در ادامه زندگی و یا طلاق و کناره‌گیری از او مخیر کرده است ، خود روحیه خانم در کنفرانس بهائیان در "ویلمت" می‌گوید :

"چقدر مسرور بودم که بایستی در خدمت حضرت شوقی افندی باشم ، فکر می‌کردم که من دیگر به عالی ترین مقامات خود رسیده و هیچ‌گونه ناراحتی روحی نخواهم داشت ، این فکر با من بود تا روزی حضرت شوقی افندی با نظری عمیق به من فرمودند :

"آینده تو در پد اختیار تست و انتخاب طریق صواب و خطا در کف اقتدار تو"

" و از آن روز تا به حال این فرمایش هیکل مبارک در من ایجاد ناراحتی کرده است . . ." (۱)

نویسنده لجنه امری تهران "این اظهارات حرم . . . پیشوا" را تفسیر کرده می نویسد:

" . . . ملاحظه می فرمایید زنی که عقیم بود و به سبب عقده نازایی که برای زنان عقیم بدترین دردهاست ناراحتی روحی به بار آورده و خود بدان معترف بوده و ولی عزیز امرالله با احاطه غیبی‌ای که به حوادث امور داشتند ، به مشارالیه یادآور می شوند که آینده تو در پد اختیار تست و انتخاب طریق صواب و خطا در کف اقتدار تو . تعجب در این است که ایادی چگونه خود را در اختیار چنین زنی قرار داده‌اند که با طرد رئیس جامعه بهائی به دست آنها موجبات انشقاق و اختلاف را در دیانت بهائی فراهم نمایند . . ." (۲)

منشعبین از بهائیت شعری درباره روحیه خانم سروده و می گویند:

| | |
|------------------------------|----------------------------------|
| یا للعجباً زنی عقیم و نازا | بنمود چه فتنه‌ای به عالم برها |
| یا عقده نازا عیش آن مظهر حقد | شد علت انشقاق در امر بها |
| آنانکه مطیع آن زن حیله‌گرند | از حیل و مکر او مگر بی‌خبرند |
| آیا همه نادیده مطیعش گشتند | یا اینکه تمام غافل و کور و کورند |

اما موافقان "خانم روحیه ماکسول" درباره‌اش می گویند:

" او پنجمین پیشوای بهائیت و اداره کننده فرقه بهائی در جهان است ، و به نظر کسانی که همیشه با شک و

۱ - مجله "آهنگ بدیع" ، شماره ۱۲۹ ، ص ۱۳۲

۲ - نشریه شماره ۹ لجنه امری تهران ، ص ۲

۳ - نشریه لجنه امری تهران ، ص ۱۵

تردید به این فرقه نوظهور می نگریسته اند ، بهائیت کنونی یک فرقه عادی است نه مذهب و آئین روحانیت ."

درباره شوقی و همسر امریکائی اش گفته اند :

"... پس از چندی زن کانادائی گرفت . اندک اندک زن و کسان زن بر او چیره شدند و نخست دست ایرانیها را از کار کوتاه کردند و آنگاه به خویشاوندان شوقی پرداختند و بر سر خواسته و پول و پیشکشی هایی که از ایران و هندوستان می فرستادند کشمکش درگرفت . در آغاز کار به جایی رسید که جز امریکائیها که کسان زنی بودند همه از گرداگردش پراکنده شدند ." (۱)

این را هم بدانیم که شوقی ربانی با این که از نظر جنسی به گفته عربها "انسی" و به اصطلاح دوگانه ای بود با این حال او پس از برگشت از لندن با یکی از خانم های انگلیسی که نامش لیدی بلام فیلد و دارای پایگاهی بود به حیفا آمد ، به گفته صبحی :

"این زن پاینام ستاره خانم در میان بهائیان داشت و اولین نامه را که شوقی به بهائیان نوشت دستینه او نیز در پایین آن بود و در آن روز با شوقی همدستی می کرد و درباره او سخنها گفته اند که ما از آن می گذریم" (۲)

۱ - پیام پدر ، ص ۱۸۱

۲ - همان مأخذ ، ص ۲۱۵

آمار و ارقام و تبلیغات

بهائیان از آغاز کار خود را به تبلیغ و پرورش مبلغین استوار ساخته بودند. البته در آغاز کار با توجه به اینکه مذاهب و ادیان اصلی پیشرفتشان بر جنگ و ستیز و برخورد با طرفداران ادیان پیشین استوار بود پیروان میرزا علی محمد باب نیز در آغاز دست به اسلحه بردند و چنانکه دیدیم نبردهای خونینی در زنجان و یزد و مازندران و سایر نقاط ایران در گرفت که شرارتی زیان بخش - بویژه برای خود بابیان - داشت. نمونه زنده آن جریان خونین بابی‌کشی در پایتخت و شهرهای مختلف ایران است.

اما از دورانی که بابیان تار و مار و پراکنده شدند و دوران بهائیگری آغاز شد بهائیان مبنای کار خود را بر تبلیغ نهادند و کوشیدند تا از راه تبلیغ در محافل و مجامع مختلف و تربیت مبلغین ورزیده به توسعه مرام و مسلک خود بپردازند. بهائیان چه طی کتب و انتشارات خود و چه در برخورد با پیروان مذاهب مختلف، می‌کوشیدند تا از طریق تبلیغ مردم را با هدفهای خود و نظم نوین که می‌خواهند به جهانیان عرضه دارند، آشنا سازند.

این امر از یک سو باعث شده است که کار تبلیغاتی در مجامع بهائی توسعه و گسترش شایان توجهی یابد، و از سوی دیگر سبب شده تا از راه انتشار آمار و ارقام گوناگون که خود اولین حربه تبلیغاتی است، جهانیان

را در قبال به اصطلاح پیشرفتهای بهائیت به شگفتی وادارند و باعث جلب توجه آنها شوند .

گفتیم که از مدتها پیش بهائیان همه جا گسترش سازمانهای تبلیغی را هدف اساسی و اصلی خود قرار داده اند ، چنانچه نویسنده کتاب "قرن بدیع" بخش بیست و پنجم کتابش را "توسعه بین المللی فعالیت‌های تبلیغی" نامیده و در مقدمه این بخش چنین می نویسد :

"... در حینی که نظم اداری امر حضرت بهاء الله رو به بسط و ارتقاء می رفت و به تأییدات غیبیه الهیه استقلال و اصالت این نظم اتم اقوم از جانب اعداء تصدیق و از طرف پیاران تحکیم و تثبیت می گردید ، تطور و تحول عظیم دیگری در شئون امریه رخ گشود که نتایج مهمه دربرداشت و آن توسعه نطاق دین اله و تزئید عدد مؤمنین و تکثر مراکز اداری و نشر و اشاعه آثار و اعلام امر حضرت پروردگار در اقصی نقاط جهان بود که بتدریج قوت یافت و ثابت و محقق گردید که نفس اجرای این نظم الهی گذشته از جهات و خصائص ممتازه اش محرک امر تبلیغ و مایه ظهور جنبش و حرکت شدید در این مقصد خطیر است . . ." (۱)

عبدالبهاء نیز بکرات درباره تبلیغ دیانت بهائی جملاتی گفته است که از همه مشهور تر این جمله اوست :

" در این ایام اهم امور هدایت ملل و امم است باید امر تبلیغ را مهم شعرد ، زیرا اساس است "

او به حواریون حضرت مسیح و کشته شدن آنها در راه تبلیغ دین مسیحیت اشاره کرده می گوید :

" در هر کشوری نعره یا بهاء الاهی زندگی "

بهایان پیشرفت هرچه سریع تر بهائیگری را جزئی از نقشه‌های عمومی برای گسترش هرچه بیشتر نقشه‌های خود دانستند :

"... این فتوحات و انتقادات عظیمه در اثر ایراد نطق و خطابه و ابلاغ کلمة الهیه به وسیله مطبوعات و رادیو و تأسیس کلاسهای مطالعه و تربیت مبلغ و انعقاد جلسات تبلیغیه و معاضدت با انجمنهای خیریه و شرکت در ترویج مصالح اجتماعی و انتشار کتب و الواح قیمه ربانیه و ترتیب نمایشگاههای مختلف جهت ارائه آثار امریه و مذاکره با رجال مهتمه و دانشمندان ارض و اهل قلم و ارباب جرائد و خادمین نوع و رهبران احزاب و قاعدان افکار عمومی حاصل گردید... " (۱)

این پیشرفت‌های سریع را بهائیان نتیجه :

"... فعالیت‌های تبلیغی بین المللی که از طرف پیروان امراله در غرب خصوصا توسط اعضای شجاع جامعه بهائی امریک... " (۲)

صورت گرفته است می‌دانند .

بهایان سعی دارند از راه نشر افکار و ترجمه کتب و رسالات و مقالات گوناگون در همه جوامع و کشورهای جهان حتی در دور افتاده ترین قبائل افریقا و استرالیا رسوخ کنند . بدین منظور در جلد چهارم کتاب قرن بدیع نود و دو صفحه به " توسعه بین المللی فعالیت‌های تبلیغی " اختصاص یافته است . متأسفانه در سالهای اخیر بخصوص از دورانی که مسئله جان‌شینی وجود " ولی امراله " منقضى شده است و یک اجتماع ۹ نفری جامعه بهائیت

۱ - کتاب قرن بدیع ، جلد چهارم ، ص ۱۲۵

۲ - کتاب قرن بدیع ، جلد چهارم ، ص ۱۲۵

را اداره می‌کنند، ارقام و اعدادی درباره پیشرفت بهائیت منتشر می‌کنند که اغلب اغراق آمیز به نظر می‌رسد. قبیل از اینکه به بحث درباره این موضوع بپردازیم آماری که در تقویم سال ۱۲۶ بدیع بهائیت (سال ۱۳۴۸ - ۱۹۶۹) در تهران و در یکی از چهار چاپخانه بهائیان چاپ شده است، عیناً نقل می‌کنیم:

آخرین احصائیه پیشرفتهای عالم بهائی

نوامبر ۱۹۶۸

- تعداد اقالیمی که در ظل امر بهائی وارد شد - ۳۱۴
- تعداد محافل بهائی - ۸۱
- تعداد محافل ملی که از طرف دولتها به رسمیت شناخته شده - ۵۷
- تعداد مراکز بهائی در سراسر جهان - ۳۱۵۷۲
- تعداد محافل روحانی محلی در سراسر جهان - ۶۸۴۵
- تعداد نقاط و جمعیت‌های بهائی در سراسر جهان - ۲۴۷۳۴
- تعداد محافل محلی که تسجیل شده - ۶۲۸
- تعداد قبائل و نژادهایی که در ظل امر بهائی درآمده‌اند - ۱۱۱۸
- تعداد زبان‌هایی که آثار بهائی به آن ترجمه شده - ۴۵۵
- تعداد خطاثر قدس ملی - ۷۸
- تعداد اراضی مشارقی اذکار - ۴۹
- تعداد موقوفات ملی بهائی - ۶۱
- تعداد مدارس تابستانه دائمی بهائی - ۱۴
- تعداد مؤسسات تبلیغی بهائی - ۲۴
- تعداد مدارس بهائی - ۷۱
- تعداد مؤسسات ملی مطبوعات بهائی - ۹

این اعداد و ارقام که تأیید صحت و سقم آن منحصر با سازمانهای بهائیت و یا "بیت العدل اعظم" است و دیگران را از اصالت آن اطلاعی نیست، چون به وسیله سایر مراجع جهانی تأیید نشده، نمی توان بدانها اعتماد کرد بخصوص که در بعضی از نشریات آمار ضد و نقیضی دیده می شود که بکلی ناقض آمار و ارقامی است که قبلاً و در بالا ذکر کردیم، به عنوان مثال:

۱- در جلد چهارم کتاب قرن بدیع که در سال ۱۰۱ بهائی (۱۳۴۰ هـ ق ۱۹۴۴ م) یعنی بیست و پنج سال قبل از انتشار تقویمی که آمار فوق از آن نقل شد چاپ شده است، تعداد کتبی که به السنه خارجی چاپ شده و انتشار یافته یکجا ۲۹ زبان و در جای دیگری و هفت زبان ثبت شده است: "آثار منزله از کلک مقدس حضرت باب و حضرت بهاء‌اله که در حیات مبارکشان به دوزبان اصلی یعنی فارسی و عربی محدود و در اواخر ایام مبارک حضرت بهاء‌اله معدودی از آنها طبع و نشر گشته و بعداً در دوره میثاق به لغت انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و ترکی و روسی و برعکس ترجمه گردیده بود، اکنون پس از صعود مبارک وسعت بی اندازه حاصل نمود و کتب و صحف و رسائل مجلات و اوراق به بیست و نه لغت دیگر انتشار یافت (۱) ."

۲- همین نویسنده، در جای دیگر تألیفات بهائیان را به سی و هفت زبان دانسته می نویسد:

"... تألیف نفیس و جامع که به وضع مستدل و زیبایی تاریخ امر و تعالیم رحمانیه را تشریح نموده به سی و هفت لغت از لغات مختلفه از این قبیل ترجمه شده..." (۲)

۱- قرن بدیع، ص ۱۸۴

۲- قرن بدیع، ص ۱۸۶

حال آنکه تقویم سال ۱۲۶ بهائی (۱۲۴۸ ش - ۱۹۶۹ م) در ردیف نهم طی آمار ذکر شده تعداد زبان‌هایی را که آثار بهائی به آن ترجمه شده است "چهار صد زبان" می‌داند. به نظر می‌رسد که مسئولان و کارگردانان "بیت العدل اعظم" یا محفل بهائیان ایران برای هرچه بزرگتر نشان دادن اجتماع خود تعداد ترجمه آثار بزرگان و نویسندگان و مبلغین خود را چندین برابر بزرگتر نشان داده و با اغراق تعداد ترجمه به زبانهای خارجی را تا "چهار صد زبان" بالا برده‌اند.

۳ - تضاد در نوشته‌های بهائیان به نشریات "لجنه" ملی نشر آثار امری "و حتی کتابی که خود شوقی افندی نیز نوشته سرایت کرده است. شوقی افندی در کتاب "دوره بهائی" (۲) که در سال ۱۱۱ بهائی (۱۳۵۰ هـ ق ۱۹۵۴ م) نوشته است، هنگامی که از گسترش بهائیت در جهان بحث می‌کند "تأسیس و تحکیم مستمر موسسات بهائی (را) در بیش از چهل اقلیم از اقلیم مرقیه" می‌داند. حال آنکه تقویم "محفل ملی بهائیان ایران" توسعه بهائیت را در "اقلیمی که در ظل امر بهائی وارد شده" تا سیصد و چهارده کشور و اقلیم بالا برده و آنرا در ردیف اول قرار داده است. به نظر خواننده آگاه و بیطرف، به هیچ وجه نمی‌توان قبول کرد که در مدت پانزده سال - یعنی از سال چاپ کتاب دور بهائی (۱۱۱ سال بهائیان) تا سال چاپ تقویم (چاپ تهران در سال ۱۲۶ بهائیان) - ناگهان ۲۷۴ اقلیم بهائیت را پذیرفته باشند. البته این اغراق‌گویی را نمی‌توان مستقیماً از ناحیه "شوقی افندی" دانست، زیرا اگر او می‌خواست ارقام و اطلاعات ناصحیح در اختیار خوانندگان و پیروان خود بگذارد می‌توانست در همان اثرش ارقام نجومی بزرگتری ذکر کند. بنابراین باید قبول کرد که هیئت مدیره کنونی بهائیان که در مرکز بهائیت در فلسطین مستقر هستند و به نامهای "هیئت شورای بین‌المللی"، "جنین بیت العدل اعظم" نامیده می‌شوند و یا "محفل ملی

بهایان ایران " اقدام بدین گزاف‌گویی کرده‌اند .

نوشته‌های بهائیان را در " ... بیست و پنج لغت از لغات کثیر -
الاشاعه ... " می‌داند ، حال آنکه دیدیم پانزده سال بعد در تقویم
سال ۱۲۶ بهائیت این رقم را چهار صد زبان نوشته‌اند .

با این ترتیب آیا نباید نسبت به صحت سایر ارقام مندرج در تقویم
سال ۱۲۶ بهائیت نیز شک کرد و آنها را نیز نادرست دانست ؟
نتیجه مجموعه این مطالب و تطبیق آمار و ارقام متناقض و متضاد ،
همان مطالبی است که در مقدمه این بخش آمده بدین معنی که بهائیان در
حال حاضر تبلیغ را در رأس همه برنامه‌های خود قرار داده‌اند ، شاید هم
به دلیل تشمت و اختلافات و انشعاباتی که اینک در میان مجامع بهائی
وجود دارد می‌کوشند تا با این آمار و ارقام واهی حقایق را از نظر دیگران
پوشیده دارند و پرده استتاری نیز بروی اختلافات داخلی خویش که طبیعا
اثری بسیار منفی در قضاوت دیگران خواهد داشت بکشند .



مراکز آمار ایران
سرشماری عمومی آبان ماه ۱۳۴۵
پرستشنامه خانوار

شماره استان و فرمانداری: تهران
شماره شهرستان: تهران
شماره شهر: تهران
شماره منطقه: ۲
شماره قسمت: ۴
شماره حوزه: ۱
شماره خانوار: ۲۸۸
فرم: ۱۰

صفر

نویان: کوهک
کوهک: کما سرداب
براست: ...
۶۶: ...
سیدان: ...
شماره مرکز: ۱
شماره منطقه: ۱
شماره قسمت: ۴
شماره شهر: ۳
شماره فرمانداری: ۱
شماره استان: ۳

Table with 10 columns: 1. نام (Name), 2. نام خانوادگی (Family Name), 3. تاریخ تولد (Date of Birth), 4. جنسیت (Sex), 5. وضعیت زناشویی (Marital Status), 6. تحصیلات (Education), 7. پیشه (Occupation), 8. محل تولد (Place of Birth), 9. محل اقامت (Place of Residence), 10. سایر (Other). Rows include individuals like 'شاهپور', 'میرزا', 'میرزا', 'میرزا', 'میرزا', 'میرزا'.

همانطور که در مقدمه فصل پیشین یادآور شدیم ، چون بهائیت در ایران به رسمیت شناخته نشده از همان آغاز کار ، یعنی اولین برخوردهای بابیان و مسلمانان ، بهائیان می‌گوشتیدند ، آیین و ادعای خود را از همگان پوشیده بدارند . و این پنهان‌کاری تا چند سال پیش گماگان ادامه داشت . اما از چندی پیش که تعدادی از بهائیان مقامات مهمی را در مملکت احراز کردند و قسمت عظیمی از قدرت اقتصادی مملکت در حیطه تسلط آنان درآمد - از ابراز آیین خود ابائی ندارند . حتی در جریان سرشماری عمومی ایران (آبان ماه ۱۳۴۵) سران بهائیت در ایران به همه افراد دستور دادند که هنگام پرسش آمارگران ، مذهب خود را رسماً "بهائی" اعلام کنند . ولی چون همان طور که گفتیم بهائیت در ایران به رسمیت شناخته شده و یک فرقه خاله مذهب سیاسی است ، به دستور مسئولان امر سرشماری با این اقدام ضد اسلامی مقابله شد و طی بخشنامه‌ای به کلیه استانداران و فرمانداران و دیگر مقامات مسئول - بخصوص به مأموران آمارگری - دستور داده شد که از ثبت عنوان "بهائی" در جدول مربوطه و در ستون "دین او چیست . . ." خودداری کنند .

با آنکه این دستور به مورد اجرا گذارده شد ولی بازهم گروهی از افراد متعصب بهائی ، مذهب خود را رسماً "بهائی" قید کردند که یک نمونه آن به عنوان سند در اینجا ارائه می‌شود . در این سند که یکی از اوراق سرشماری سال ۴۵ ، شماره منطقه ۳ - شماره قسمت ۱ - شماره حوزه ۱ - شماره خانوار ۳۸۸ - ساکن خیابان میگده - کوچه گامران و مربوط به خانواده شاپور راسخ است ، چهار نفر اعضای اصلی خانواده دین خود را "بهائی" قید کرده‌اند . و تنها مستخدم منزل "صدیقه کبیری" که پیرو آیین اسلام بوده ، در زیر عنوان "بهائی" مذهب خود را "مسلمان" اعلام داشته است .

نکته جالب اینکه آقای دکتر شاپور راسخ که با چنین تعصبی ، علیرغم دستور دولت مذهب خود را در برگ سرشماری "بهائی" قید کرده است ، سالها ریاست مرکز سرشماری مرکز آمار ایران و معاونت سازمان برنامه را عهده‌دار بوده است .

It was in the town of Shiraz, Iran, in May 1844, that the Baha'i Revelation was born, when eighteen sincere souls, after the manner of the Wise Men, found and independently recognized Sayyid Mirza 'Ali Muhammad as the Messenger of God whom they were seeking. These disciples, after a short period of initiation, were sent by their Leader to proclaim in distant places the dawn of a new Revelation on earth, and the early advent of a still greater Messenger. Within a few months of the proclamation of these Glad Tidings the country was aflame with fierce hatred and became the scene of the cruellest persecutions in history, as the movement spread like wildfire through the land, touching adherents among its leading as well as its humblest personages, and creating alarm among the authorities who in turn sought to fan to a blaze the passions of the people. Western travellers have referred in their writings to the terrible cruelties witnessed in Iran at this time. But tortures and martyrdoms, and the shedding of blood, were no deterrent to the Prophet's followers, who showed an unwavering desire to sacrifice their lives for their Master. In the space of a few years more than a thousand died a joyful death. The first stage of persecution culminated in the martyrdom of 'Ali Muhammad, who had assumed the title of Baha, or God, by a firing squad in the market square of Tabriz on the

با اینکه دولتیان و همهٔ موسسه‌های وابسته از هرگونه توجه و اعتنا به بهائیت منع شده‌اند ،

با این حال این سؤال انگلیسی است که دکتر کیوان استاد " دانشسرای تربیت معلم " برای

شامردان کلاس سوم ، در آذر ۱۳۵۱ مطرح کرده است .

اوقاف بهائیت

هر سازمان و تشکیلاتی اعم از سیاسی، مذهبی، اجتماعی یا عام المنفعه طبعاً نیاز به یک سرمایه اولیه دارد، این سرمایه جدا از نیروی انسانی است که معمولاً در این گونه موارد به مصرف می‌رسد. البته در نخستین روزهایی که میرزا علی محمد باب ادعای خود را عنوان کرد، تنها به نیروی خودش متکی بود، حال خواه برآستی خود را "امام زمان" می‌پنداشت یا "در امام" یا هر توهم و تصور دیگر به هر حال جز قدرت خویش (یا به قول کسروی هوای نفس) نیروی دیگری در اختیار نداشت. البته خیلی زود گروهی به او پیوستند، از جمله افرادی از صاحبان جاه و مقام، و این طبعاً بر قدرت باب و نفوذ کلام او افزود. ولی پس از کشته شدن باب، و بایستی و قتل عام بابیان، یعنی از بین رفتن گروه کثیری از بابیان معتقد، و باقی ماندن افرادی که حتی ادعای امامت و نبوت و الوهیت آنها (میرزا حسینعلی نوری، بهاءالله) بایستی بودن خود و گرویدن به باب را با خواری تکذیب می‌کرد، امکانات مالی بیش از قدرت روحی مورد نیاز بود. به همین جهت مسائلی چون "وقف" و کمک مادی به مرکز رهبری در درجه اول اهمیت قرار گرفت. از روزی که میرزا حسینعلی نوری "بهاءالله" در عکا مستقر شد، موضوع وقف اینیه و املاک بر بهائیت را مورد نظر قرار داد. وی همواره بهائیان ثروتمند - بخصوص بهائیان امریکا - را تشویق می‌کرد تا هدایایی را به نام وقف در اختیار بهائیت بگذارند. هنگامی که تدوین قانون اساسی جامعه

بهائیت پایان یافت و این قانون موجبات شناسایی محافل روحانی را فراهم ساخت، نمایندگان منتخب بهائی در نقاط مختلفه عالم راه را برای تأمین اوقاف ملی و محلی آماده ساختند.

همانطور که شناسایی و ثبت بهائیت ابتدا از امریکا آغاز شد، در به رسمیت شناختن موقوفات بهائی نیز همین قاره پیشقدم گردید. بدین ترتیب که بهائیان امریکایی موفق شدند در مدت کوتاهی عوارض و مالیاتهای موقوفات بهائی را لغو کنند و حتی تسهیلات و مساعدتهایی نیز برای بهائیان که صرفاً به امور بهائیت می‌پردازند، به وجود آورند. قبول و شناسایی موقوفات بهائی و لغو عوارض و مالیاتها به موجب یک رشته اسناد و اوراق رسمی که در سالهای ۱۹۲۸ - ۱۹۲۹ - ۱۹۳۵ - ۱۹۳۸ - ۱۹۳۹ - ۱۹۴۱ - ۱۹۴۲ به تصویب ایالات مختلف رسید، عطفی شد. به موجب موافقت‌نامه و قرارهایی که در سالهای فوق به تصویب فرمانداران محلی ایالات رسید، موقوفات بهائی متعلق به "محفل مرکزی بهائیان امریکا" و یا به نام "رفقای جامعه بهائیت" ثبت شد. شوقی ربانی می‌نویسد:

"... در سنین اخیر به توسعه موقوفات ملیه و تشدید ارکان حوامع امریه کمک شایان نموده است. در رتبه ثانی اوقاف محلی است که مکمل اوقاف ملیه محسوب و آن نیز حائز اهمیت فراوان می‌باشد. و در نتیجه تسجیل محافل روحانیه محلیه به صورت شرعی و قانونی تأسیس و در ممالک مختلفه شرق و غرب به احسن وجه محفوظ شده است." (۱)

هم او اضافه می‌کند:

"... هر سال بیروست و اهمیت آن افزوده می‌شود، و در مواقع لزوم به همت لجنه مخصوص که برای حفظ و

Handwritten text in a cursive script, likely Arabic or Persian, covering the majority of the page. The text is arranged in approximately 15 horizontal lines. The script is dense and characteristic of historical manuscripts. The page is framed by a dark border, and the overall image quality is grainy and high-contrast.

ادارهٔ اماکن مذکور گماشته شد، به نهایت سعی و مجاهدت تحت نظارت و توجه نمایندگان منتخب جامعه به تعمیر و مرمت آنها اقدام می‌گردد... (۱)

اوقاف بهائیان امریکا

به موجب ارقام و آمارهای که بهائیان امریکا منتشر کرده‌اند جمع موقوفات بهائیت در آن قاره تا سال ۱۹۵۰ در حدود ۲۶۶۴۶۶۹۷/۰۶ دلار است، این رقم به اضافه مبلغ ۸۶۰۰۰۰۰ دلار (= ۲۷۵۰۶۶۹۹/۰۶) دلاری است که صرف تزئینات داخلی اماکن بهائیت می‌شود که اینک قیمت تقریبی املاک بهائی در امریکا را ملاحظه می‌کنید:

| | |
|--------------------|-----------------|
| مشرق الاذکار | ۲۳۸۱۵۱۲/۹۱ دلار |
| حظیره القدس | ۲۵۵۲۶/۴۲ |
| گرین عکا | ۱۲۶۷۱۸/۷۳ |
| املاک ویلهلم | ۷۹۰۰۰/۰۰ |
| مدرسه کایزرویل | ۴۸۵۰۰/۰۰ |
| مدرسه بین الملل | ۵۱۵۰۰/۰۰ |
| مدرسه ایالات مرکزی | ۶۴۷۰۰/۰۰ |
| خانه ویلسن | ۷۰۰۰/۰۰ |
| | <hr/> |
| | ۲۶۶۴۶۶۹۷/۰۶ |

به موجب مندرجات جلد چهارم قرن بدیع و سایر نوشته‌های بهائیان موقوفه‌های ملی بهائیان در امریکا - که قیمت آن‌ها اعلام نگردیده، به شرح زیر است:

مشرق الاذکار واقع در ویلمت اپلیپونز شامل قسمتهای ذیل:

- ۱ - معبد .
- ۲ - منزل متصدی امور مشرق الاذکار .
- ۳ - اراضی حول مشرق الاذکار .
- حظیره القدس و بهجت که شامل قسمتهای ذیل است :
- ۴ - دفتر محفل روحانی ملی .
- ۵ - دواثر و شعب دفتر .
- ۶ - دفتر لجنه نشریات امری .
- ۷ - خانه موقوفه کالیفرنز .

مدرسه بهائی گرین عکا واقع در ایالت Eliot در ایالت مین Maine

شامل قسمتهای ذیل :

- ۱ - تالار .
- ۲ - اطاق خواب و ناهار خوری .
- ۳ - سالن مطالعه .
- ۴ - سه باب خانه شامل اطاقهای خواب اضافی .

Ole Bull

۵ - خانه ال بول

۶ - تالار هنر و صنعت

Schopflocher

۷ - خانه موقوفه شافلاخر

Rogers

۸ - خانه موقوفه راجرز

Lucas

۹ - تالار لوکاس

Fellowship

۱۰ - خانه فلوشیپ

Reeves

۱۱ - کامپ ری وز

Atkinson

۱۲ - خانه ات کینسن

Thompson

۱۳ - خانه تامسن

Vaghn

۱۴ - خانه وان

خانه ناین گی بلز (Nine Gables) واقع در اراضی شافلاخر شامل

خانه، سالن مطالعه و ساختمان روستائی ۱۳۸ اکر (۱) زمین شامل اراضی واقع در منسالات،

ملک قدیمی ویلهلم (Wilhelm) در وست انگل وود (West Englewood) در ایالت نیوجرسی شامل:
خانه ویلهلم،

خانه اور گرین (Evergreen)

یک باب خانه و گاراژ

قطعه زمین شامل مرعه کاج "که در سال ۱۹۱۲ حضرت عبدالبهاء در آن محل جشن اتحاد برپا داشتند"

مدرسه تابستانه گازیویل در کابزرویل واقع در کالیفرنیا:

۱ - خانه بوتس - (Bosch)

۲ - تالار بهائی،

۳ - اطاقهای خواب،

۴ - ساختمانهای روستائی،

۵ - اراضی،

۶ - مدرسه بیب المنلی بهائی واقع در پاین والی (Pine Valley) در

ایالت کولورادو (Colorado)؛

۷ - خانه ماتیوس، (Mathews)

۸ - ساختمانهای روستائی،

۹ - ۲۵ اکر زمین (۲)؛

۱۰ - مدرسه تابستانه ایالات مرکزی؛

۱۱ - خانه اکل استون،

۱۲ - کتابخانه،

۱ - ۱۳۸ اکر معادل ۵۵۸۴۸۶ متر مربع زمین است،

۲ - معادل ۸۵۹۴۵ متر مربع زمین،

۱۳- تالار خواب .

۱۴- منازل .

۱۵- اراضی .

ملک ویلسن (Wilson) در مالدن (Malden) واقع در ایالت
ماساچوست : (Masachost)
خانه ویلسن " که در سال ۱۹۱۲ محل اقامت حضرت عبدالبهاء بوده
است . " (۱)

موقوفات در ممالک مختلف

علاوه بر املاکی که در آمریکا وقف بهائیت شده تعداد زیادی موقوفات
در کشورهای مختلف جهان نیز به نام "مهافل بهائی" به ثبت رسیده است .
به موجب آخرین آماري که منتشر شده ارزش این املاک و یا مساحت اراضی
موقوفه در سال ۱۹۴۸ مسیحی به شرح زیر است :

این آمار از یک گزارش رسمی مربوط به بهائیان استخراج شده است :

۱ - "قیمت تقریبی موقوفات منی بهائی در ایالات متحده آمریکا

۲۷۸۳۹۵۶/۵۶ دلار

۲ - مساحت زمینی که برای اولین مشرق‌الانکار ایران خریداری شده

۳۸۱۹۰۰۰ متر مربع

است .

۳ - مساحت اراضی موقوفه حول مقام اعلی از جبل کرم .

۱۶۷۱۰۰ متر مربع

۴ - مساحت اراضی موقوفه روضه مبارکه حضرت بهاء‌الله در عکا .

۴۰۰۰ متر مربع

۵ - مساحت اراضی موقوفه روضه مبارکه حضرت بهاء‌الله در ناحیه غزه .

۱۰۵۳۰ متر مربع

۶ - مساحت اراضی موقوفه مقام اعلی و روضه مبارکه حضرت بهاء‌الله در وادی اردن .
۲۳۵۴۱۰۸ متر مربع

۷ - مساحت اراضی موقوفه روضه مبارکه حضرت بهاء‌الله و مقام اعلی در کشور اسرائیل که به نام شعبه محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده آمریکا در اسرائیل به ثبت رسیده است .

۵۵۰۰۰ متر مربع
مساحت اراضی موقوفه مقام اعلی در جبل کرمل که به نام شعبه محفل روحانی به ثبت رسیده است :

۱ - ملی بهائیان هند و پاکستان و برمه در کشور اسرائیل به ثبت رسیده است .
۲۰۴۸۰ متر مربع

۲ - جمع کل مخارج ساختمان ایوان مقام اعلی در جبل کرمل .

۲۴۰۰۰۰ دلار
۳ - جمع کل مخارج ساختمان مشرق الاذکار در ویلمت .

۲۰۸۴۵۶۴۰۰ دلار
۴ - قیمت حظیره القدس بهائیان هند و پاکستان و برمه .

۵۷۵۰۰۰ روپیه
۵ - جمع مبلغ که تا بحال صرف ساختمان حظیره القدس بهائیان ایران گردیده است .
۵۰۰۰۰۰ پوند

۶ - مساحت اراضی اولین مشرق الاذکار جنوب آمریکا در سانتیاگو واقع در شیلی .
۹۰۰۰۰۰ متر مربع

شوقی ربانی درباره موقوفات جهانی بهائیان در سالهای آخر عمر خود می‌نویسد :

” . . . در این مقام لازم است به املاک و موقوفات کثیره دیگری نیز که از آغاز طلوع نظم اداری امر حضرت بهاء‌الله مترادفاً و متتابعاً در سایر معانک و اقالیم عالم مانند هندوستان و برمه و بریطانیای کبیر و آلمان و عراق و

مصر و استرالیا و ماوراء اردن و شامات تأسیس گردیده اشاره نمود. از آن جمله است حظیرة القدس‌های بهائیان عراق - مصر - هندوستان - استرالیا و بیت بهائی در اسلینگن و مؤسسه مطبوعاتی بهائیان انگلستان و مسافرخانه بهائی در بغداد و گلستانهای جاوید در عواصم ممالک ایران و مصر و ترکستان. این اوقاف وسیعه متنوعه خواه به صورت اراضی یا به صورت مدارس یا مراکز اداری یا دفاتر امریه یا کتابخانه یا مقر دفن متصاعدین یا محل پذیرائی واردین و یا شرکتهای مطبوعاتی قسمتی از آنها به نام محافل مرکزی اقالیم مربوطه تسجیل و قسمتی به نحو امانت نزد وجوه احباء نگاه داشته ... " (۱)

موقوفات بهائیان ایران

با اینکه "بهائیت" یکصد و بیست و شش سال قبل از ایران سرچشمه گرفت و بتدریج در نقاط دیگر استقرار یافت و دهها موقوفه با ارزش در اختیار محفل مرکزی ایران است و به قول شوقی ربانی:

"... اقدام و اعظم این مراکز اینبه متعددی است که احبای ایران علی رغم مشکلات و تضییقات موجوده به ارتفاع آنها اقدام و یا در بلاد مختلفه آن صقع جلیل برای این نیت خیر خریداری نموده‌اند ... " (۲)

با این حال تاکنون بهائیان نتوانسته‌اند این موقوفات را به نام "بهائیت" به ثبت برسانند. تنها در سالهای اخیر و بعد از درگذشت "شوقی ربانی" قسمتی از موقوفات - املاک - دارائی و تأسیسات و سهام

۱ - قرن بدیع، قسمت چهارم، ص ۵۳

۲ - قرن بدیع، ص ۵۷

شرکتهای عمده که متعلق به بهائیت بوده به شرکتهای "امناء" و "نونهالان" منتقل شده است. شوقی ربانی دربارهٔ افزایش املاک بهائیان در ایران می‌نویسد:

"... در ایران مهد امرالله متعلقات امریه که به صورت اراضی و ابنیه اداری و مدارس و سایر مؤسسات دیگر موجود است به نحو قابل ملاحظه‌ای برونسخت و عظمت دایره موقوفات محلی بهائی در سراسر کسرهٔ ارض افزوده و مایهٔ مزید اعتبار و حیثیت آنها گردیده است..." (۱)

شوقی ربانی املاک موجود در ایران را بدین ترتیب شرح داده، می‌نویسد:

"... دیگر از موقوفات امریه املاک و اماکنی است که در اقلیم مقدس ایران مهد آئین نازنین تقدیم امرالله گردیده و از لحاظ ارزش به مراتب از موقوفات مذکوره در فوق وسیعتر و عظیم تر است، و چون تا این تاریخ جامعه بهائیان ایران موفق به تسجیل محافل ملیه و محلیه خویش نگردیده، اسناد و مالکیت آنها به نام افراد ثبت و نگاهداری شده (۱) ولی در حقیقت نفس الامر متعلق به جامعه بهائی

۱ - قرن بدیع ص ۵۲

۲ - با خواندن و تعمق در این جمله نیک آگاه می‌شویم که آن مرد کله‌پوک انگشتر بدست، پولهایی که به مصرف خرید سهام بانکها، ساختمانها، شهرکها و غیره می‌رساند از چه معری و از کجا به نام او منتقل گردیده، و بعد از به دست آوردن آنها، اسناد مالکیت تأسیسات و ساختمانها و سهام را به محفل بهائیان ایران و احتمالاً شرکتهای سه‌گانه - امناء - نونهالان و ترانه - تسلیم می‌کند و خود او یک عمله و دلال واسطهٔ خیانت به ملت ایران پیش نیست!

است. علاوه بر بیت مبارک نقطه اولی در شیراز و بیت موروثی بهاء الله در "تاکر" مازندران که از ایام حیات عبدالبهاء در تملک جامعه بهائی بوده، پس از صعود مبارک اراضی وسیعهای خارج از عاصمه، مملکت در دامنه جبل البرز مشرف بر ارض مقدسه موطن اصلی جمال اقدس ایهبی در نطق موقوفات امریه در آمده است، این اراضی شامل مزرعه و باغ و تاکستان به مساحت متجاوز از سه ملیون و نیم متر مربع است و برای بنای اولین مشرق الاذکار بهائیان ایران اختصاص داده شده و سایر اماکن متبرکه که دایره اوقاف بهائی آن ارض را وسعت عظیم بخشوده عبارت است از بیت حضرت بهاء الله در طهران که محل ولادت مبارک می باشد، دیگر چند بیت مجاور بیت مبارک حضرت اعلی در شیراز متضمن خانه متعلق به جناب خال و همچنین حظیرة القدس طهران و حجره بوشهر (۱) که در ایام اقامت هیکل اکرم حضرت باب در آن شهر محل تجارت آن حضرت بوده و یک ربع از قریه چهریق محل سجن اطهر در آذربایجان و خانه میرزا - جانی که نقطه اولی در اثنای حرکت تهریز چند یومی در آنجا توقف فرمودند و حمام عمومی در شیراز که وجود مبارک بدانجا تشریف میبردند، و بعضی اینیه مجاوره و نیعی از بیت متعلق به جناب وحید در نیریز و قسمتی از بیت متعلق به جناب حجت در زنجان و سه باغ در جلگه بدشت که به

۱ - این ادعای چهارمین پیشوای بهائیت به هیچ وجه صحیح نیست و مالکیت این محل به آقای مهدی طالبی نوه رئیس التجار بوشهری تعلق دارد. چندین بار بهائیان تلاش کرده اند که آن را خریداری کنند ولی مهدی طالبی حاضر به فروش آن به بهائیت نشده است.

امر بهاء‌الله اجاره شده بود، و مدفن جناب قدوس دربار - فروش و خانه کلانتر محل سجن طاهره در طهران و حمام عمومی در ارومیه که هنگام توجه حضرت اعلیٰ به صوب تبریز به قدوم مبارک مزین شده، دیگر خانه متعلق به آقا میرزا حسینعلی نور که چندی عرش مبارک در آنجا مخفی بوده، دیگر بیت بابیه و خانه ملکی جناب ملاحسین در مشهد و منزل سلطان الشهداء و محبوب الشهداء در اصفهان، همچنین عده کثیری از بقاع مقدسه و اماکن تاریخیه که مدفن و مرقد شهدای اولیه امر می‌باشد، این مستملکات که به غیر از محدودی کلا در ایام اخیره به دست آمده اکنون موجود و هر سال بر وسعت و اهمیت آن افزوده می‌شود و در مواقع لزوم به همت لجنه مخصوص که برای حفظ و اداره اماکن مذکوره گماشته شده به نهایت سعی و مجاهدت تحت نظارت و توجه نمایندگان منتخب جامعه به تعمیر و مرمت آنها اقدام می‌گردد... (۱)

آنچه که در این بخش جالب توجه می‌باشد، اقرار صریح شوقی ربانی دربارهٔ موقوفه‌های بهائیان ایران است، به طوری که خوانندیم شوقی ربانی "مالکیت" موقوفه‌های بهائیان را که در دست چند تن بهائی است و به نام آنها به ثبت رسیده، محرز و مسلم می‌داند، بنابر این اگر روزی یکی از رؤسای اوقاف بخواهد همه این املاک وقف شده را از جمله املاک ثبت دولتی شده بداند و آنها را به تصرف اوقاف کل کشور در آورد، بدون اشکال این املاک به مالکیت دولت درخواهد آمد، ولی چرا تا به امروز چنین اقدامی نشده بر ما مجهول است؟

این اعتراف رسمی که در کتاب چاپ شده از سوی بهائیان موجود

است، شایعه همگانی - نفوذ بهائیان در اقتصاد کشور - را که همسه مردم ایران از سالها پیش می‌دانند، رسمیت می‌دهد. به طوری که می‌دانیم بهائیان ایران میلیاردها تومان زمین، املاک بزرگ، شرکتها و مؤسسه‌های عام‌المنفعه، و دو بانک امانت و ترانه را - که به صورت شرکت اداره می‌شوند - به نام اشخاص به ثبت رسانیده‌اند و از منافع میلیاردها و میلیاردها ریالی آن استفاده می‌کنند. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که محفل بهائیان ایران این همه ثروت و دارائی را چگونه خرج می‌کند؟ و آیا این شائبه و نظر برخی از هوشمندان، صحیح به نظر نمی‌آید که وجود دارایی و سرمایه بی حساب و شناخته نشده، آن هم در دست مردان و زنان شناخته نشده و بی مسئولیت، عواقب شومی برای اقتصاد و حتی استقلال مملکت و رژیم قانونی، به وجود نخواهد آورد؟ آیا روزی نمی‌رسد که به این بی‌بند و باری و هرج و مرج و سوء استفاده عده‌ای شناخته شده خاتمه داده شود؟

گلستان جاوید ویک کلاهداری قانونی

چنانکه در بخشهای پیشین گفتیم ، پس از مرگ شوقی ربانی - آخرین پیشوای بهائیت - و مخصوصاً بر سر تملک و تصاحب ما ترک او ، اختلافی که از مدتها پیش بین سران و رهبران بهایی پیدا شده بود ، ولی جز گروهی اندک از خود سردمداران بهائیت کسی از آن آگاهی نداشت ، به یکباره از پرده بیرون افتاد و کار شکایت گروههای مخالف از یکدیگر حتی به محاکم قضائی و دادگستری نیز کشیده شد .

در جریان یکی از این شکایتها که مستقیماً علیه وارث شوقی ربانی و محفل ملی بهائیان ایران تدوین شده بود ، متوجه شدیم که چگونه بهائیان با سند سازی و تبانی با تنی چند از مأموران نادرست دولت ، توانستند با صلح کردن میراث ابتدا به یکفرد و سپس واگذاری از طرف آن فرد به شرکت اثناء ، میراث چند میلیاردی شوقی ربانی در ایران را - بدون اینکه حتی مالیات بر ارث یا مالیات بر دو صلح انجام شده را به دولت بپردازند - تصاحب کرده و در اختیار گروه مورد نظر خود قرار دهند .

در قسمتی از این کتاب خواندید که محفل بهائیان ایران :

"... از پرداخت مالیات بر ارث و مالیات بر دو صلح انجام یافته و مالیات بر درآمد و حق الثبت که بالغ بر یکصد و هفتاد و پنج میلیون تومان می شود ، خودداری می نماید و بعد که مقامهای اداری و قضائی مستحضر می شوند ، در تاریخ

۲۶/۷/۳۷ به وکالت منوچهر قائم مقامی با اخذ ۱۵۵۴ سهم از ۱۵۵۵۰ سهم اقدام به حصر وراثت می‌نمایند. و شرکت سهامی امناء با اغفال کارکنان ثبت و تبانی با ممیزین و کارشناسان اداره دارائی و ثبت با فعل و انفعالاتها به دستکاری منوچهر قائم مقامی بدون درج معاملات قطعی در اسناد مالکیت قبل و اعلام آن به اداره دارائی و اخذ مالیات بر ارث به موجب صلحنامه‌های تنظیمی اسناد مالکیت جدید به نام شرکت سهامی امناء صادر می‌نماید، و شرکت سهامی امناء قبل از تعیین مالیات بر ارث و مالیات بر صلح و مالیات بر درآمد دولت، اراضی و املاک را به قطعات مختلف تقسیم و تفکیک می‌نماید و به اشخاص انتقال می‌دهد. . . ."

اما جالبترین قسمت این کلاهبرداری مطالبی است که پیراز طرح تقسیم و تفکیک اراضی و انتقال آن به افراد به میان آمده است، به شرح زیر:

"... من جمله یکی از این رقیبات پلاک ۳۷۴۲ بخش

۳ تهران، واقع در امیرآباد، بالای جلالیه، قبرستانی به نام

گلستان جاوید بوده که طبق نامه‌های شماره $\frac{4155}{23/1178}$

و $\frac{23/1561}{40/3/15}$ شهرداری تهران مورد اعتراض شهرداری نیز

واقع شده، معذالک با فعل و انفعالاتهایی سند مالکیت این

رقبه بدون رعایت قوانین و مقررات ثبتی و نظریه شورای

عالی ثبت به نام شرکت سهامی امناء تبدیل یافته و شرکت

مزبور آنرا به قطعه‌های مختلف تفکیک نموده و به اشخاص

انتقال داده است، و با اینکه اداره ثبت و کارشناسان و

مهندسين در موقع تقسیم و تفکیک پلاک ۳۷۴۱، بخش سه

تهران را با وجود قبرها، می‌دانستند گورستان عمومی است

نه باغ مشجر و می‌دانستند جنبه عمومی دارد نه خصوصی



www.golshan.com



بانک بهائیت "نونهالان" مأمور پرداخت وام به بهائیان و معامله‌های غیر قانونی

و می‌دانستند وارث هنوز مالیات بر ارث و مالیات بر صلح انجام شده را پرداخت ننموده‌اند و برابر رأی شورای عالی ثبت که طی شماره $\frac{۴۲/۴/۲۳}{۲/۵۸۴۲}$ ابلاغ گردیده توافق بین وارث نسبت به تقسیم ما ترک حاصل نشده و مشخصات مورد صلح هر یک از وراثت در صلح نامه‌ها قید نشده اقدام به صدور سند به نام افراد می‌نمایند.

بدین ترتیب سندسازان و کسانی که قصد تعلق و تصاحب ما ترک شوقی ربانی را داشتند نه فقط همه میراث او و آنچه را که موقوفه و اموال عمومی بهائیان به حساب می‌آمد، به نفع خود ضبط کردند، بلکه "گورستان عمومی" را نیز که در میان اماکن عمومی، "عمومی" ترین آنهاست، به نام "باغ مشجر" تفکیک و تقسیم کرده و در معرض فروش قرار دادند.

و اما چگونگی تصاحب اراضی امیرآباد و اختصاص دادن آن به گورستان بهائیان (گلستان جاوید) داستانی طولانی دارد، که نیازمند رجوع به سالیان گذشته است.

می‌دانید که بهائیت در ایران به رسمیت شناخته نشده است، از طرفی با اختلافات عقیدتی شدیدی که بین مسلمانان و بهائیان وجود دارد (۱)، دفن مردگان بهائی (اگر بهائی بودن آنها فاش می‌شد) در گورستان مسلمانان امکان نداشت، همچنین خود بهائیان نیز نمی‌خواستند، در گورستان مسلمین دفن شوند.

۱ - در بخشهای پیشین نوشتیم و ثابت کردیم که بهائیان، مسلمانان را بیشتر از پیروان هر آیینی دشمن می‌دارند، تا آنجا که جان و مالشان را مباح دانسته‌اند و در حال حاضر نیز در اغلب کشورهای جهان، علیه اعراب و مسلمانان با جناحهای دیگر بخصوص یهودیان و حتی دولت اسرائیل متحد شده‌اند.



۱۳۸۲ خرداد ۲۱

کتابت اسنادی
ثبت نقل و استناد و املاک

برای خلاصه معاملات غیر منقول ثبت شده

محل وقوع: تهران - منطقه ۳ - پلاک ۳۱ - پلاک ۳۱ - پلاک ۳۱

محل وقوع: تهران - منطقه ۳ - پلاک ۳۱ - پلاک ۳۱ - پلاک ۳۱
محل وقوع: تهران - منطقه ۳ - پلاک ۳۱ - پلاک ۳۱ - پلاک ۳۱

| مکان | موضوع | مورد معامله و مبلغ | تاریخ معامله | تاریخ ثبت |
|---------------------------|-------|--|---------------|---------------|
| تهران - منطقه ۳ - پلاک ۳۱ | فروش | مورد معامله: پلاک ۳۱ - پلاک ۳۱ - پلاک ۳۱ مبلغ: ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال | ۱۳۸۲ خرداد ۲۱ | ۱۳۸۲ خرداد ۲۱ |
| تهران - منطقه ۳ - پلاک ۳۱ | فروش | مورد معامله: پلاک ۳۱ - پلاک ۳۱ - پلاک ۳۱ مبلغ: ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال | ۱۳۸۲ خرداد ۲۱ | ۱۳۸۲ خرداد ۲۱ |

این سند به موجب سند شماره ۱۱۸۵ مورخ ۱۳۸۲ خرداد ۲۱ در تهران صادر شده است. این سند به موجب سند شماره ۱۱۸۵ مورخ ۱۳۸۲ خرداد ۲۱ در تهران صادر شده است. این سند به موجب سند شماره ۱۱۸۵ مورخ ۱۳۸۲ خرداد ۲۱ در تهران صادر شده است.

محل امضاء مشاورین: تهران - منطقه ۳ - پلاک ۳۱
محل امضاء مشاورین: تهران - منطقه ۳ - پلاک ۳۱
محل امضاء مشاورین: تهران - منطقه ۳ - پلاک ۳۱

اما چون بهائیت در ایران به رسمیت شناخته نشده است، طبقاً به پروان این طریقه نمی‌توانستند مانند مسلمانان یا سایر مذاهب رسمی، موقوفاتی به نام بهائیت داشته باشند، تا مثلاً بخشی از آن را به گورستان اختصاص دهند، پس، در آغاز کار که هنوز شرکت امضاء تشکیل نشده بود، تا موقوفات به صورت سهم و در شرکتی به ظاهر تجارتي گرد آورد، این موقوفات به نام افراد، مخصوصاً پیشوایان بهائیت به ثبت می‌رسید، مخصوصاً در زمان شوقی ربانی، بسیاری از اموال و املاک و موقوفات، توسط بهائیان به این آخرین رهبر بهائیت بخشیده شد و به نام او به ثبت رسید که یک نمونه آن اراضی گلستان جاوید است.

ما ترک امین امین

نخستین سندی که دربارهٔ این اراضی اینک در دست ماست، استشهادی است، به تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۱۲ که طی آن غلامرضا امین امین یکی از بهائیان متمکن و معتقد، از دیگران خواسته است که تعلق و تصاحب او را بر اراضی مورد بحث تأیید کنند.

متن استشهادی که رونوشت آن با شماره ۶۸۳۷۶۶ - ۴۷/۱۰/۷ از بایگانی دایره شمال ثبت تهران اخذ شده، به شرح زیر است:

وزارت دادگستری - ثبت کل اسناد و املاک - $\frac{۶۸۳۷۶۶}{۴۷/۱۰/۷}$

رونوشت استشهاد

استشهاد و استعلام می‌شود از آقایانی که اطلاع دارند که یک قطعه باغ محصور معروف به باغ میرزا محمدباقر خان واقع بین جمشیدآباد و امیرآباد و زارعیه، ملک طلق متصرفی اینجانب حاجی غلامرضای امین امین است، شهادت خود را مرقوم فرمایند.

۳۱ فروردین ۱۳۱۲ - غلامرضا امین امین

مهر

با اینکه چندین بار "شورای
ثبت گل و اداره رسیدگی به
تجاوز در ثبت اسناد پرونده
گورستان جاوید را بررسی کردند
ولی سرانجام کلاهبرداران
بهبائی موفق شدند اراضی
شهرداری تهران را به نفع
خود ضبط کنند.

۰۰۰ و در زیر این برگ استشهاد و استعمال ، افرادی به شرح زیر
تملک‌های غلامرضا امین امین را بر باغ معروف به باغ "میرزا باقر خان" تأیید
کرده‌اند :

"این بنده میرزا اسحق خان حقیقی ، دارای ورقه^۶
هویت ۴۵۸ ، صادره^۶ از ناحیه^۶ ۳ حسن آباد ، اطلاع کامل
دارم که باغ فوق‌الذکر ملک طلق متصرفی جناب حاج غلامرضا
امین امین است .

امضاء

اینجانب یوسف وحدت ، دارای ورقه^۶ هویت ۱۰۶۶۶ ،
صادره^۶ از ناحیه^۶ ۳ حسن آباد ، اطلاع کامل دارم باغ فوق -
الذکر که سابقا ملک مرحوم میرزا باقرخان شیرازی بوده است ،
ملک طلق متصرفی جناب حاج غلامرضا امین امین است .

امضاء

۳۱ فروردین ۱۳۱۲

اینجانب عبدالله خان متحده ، دارای هویت ۱۵۹
ناحیه^۶ ۳ حسن آباد ، شهادت می‌دهم که باغ معروف به باغ
میرزا محمد باقر خان ملک متصرفی و مال جناب آقای حاج
غلامرضا امین امین است .

امضاء

اینجانب جلال ارجمند اطلاع دارم که باغ میرزا محمد
باقر خان شیرازی ملک متصرفی آقای حاج غلامرضا امین امین
است .

امضاء

اینجانب اسحق خان متحده ، دارای ورقه^۶ هویت ۱۵۴ ،
از ناحیه^۶ ۳ حسن آباد ، اطلاع کامل دارم و شهادت می‌دهم
که باغ معروف به باغ میرزا محمد باقر خان ملک طلق جناب

حاجی غلامرضا امین امین است .

امضاء اسحق متحده

هویت حضرات آقایان شهود محرز است .

صاحب دفتر نعره یک

امضاء و مهر

رونوشت برابر با اصل استشهاد است که اصل آن در

پرونده^۴ ثبتی پلاک ۳۷۴۲ بخش سه بایگانی است که به موجب

گواهی فتوکپی شده شماره ۱۵۵۵ - ۴۷/۱۰/۱۰ شعبه سه

بازپرس دادسرای تهران تهیه شده که پس از الصاق و ابطال

تصهرقانونی به آقای خلیل صبری وکیل آقای سرهنگ یداله ثابت

راسخ داده می شود و فقط جهت ارائه به شعبه ۳ بازپرسی

دارای اعتبار قانونی است .

بایگانی دایره^۵ شمال ثبت تهران

مهر و امضاء

از این استشهاد ، چند نکته استنباط می شود . نخست اینکه باغ هرروف

به باغ مهرزا محمدباقر خان شیوازی که بدین ترتیب مالکیت حاج غلامرضا

امین امین بر آن محرز می شود ، همان اراضی "گلدستان جاوید" یا گورستان

بهبائیان است . زیرا چنانکه در متن شکوائیه صفحات قبل ملاحظه شد ، شماره^۶

پلاک اراضی گورستان ۳۷۴۲ ثبت شده بود ، و در این استشهاد نیز باغ

غلامرضا امین امین دارای همین شماره است .

نکته دیگر اینکه - چنانکه خواهیم دید - منظور از این تأیید مالکیت ،

واگذاری و بخشیدن بعدی آن به شوقی ربانی ، پیشوای وقت بهبائیان بوده

است ، تا پس از واگذاری دیگر مشکلی بر سر مالکیت آن پیش نیاید .

چندی بعد حاجی غلامرضا امین امین طبق وصیتنامه^۷ محضری تنظیم

شده ، کلیه^۸ دارائی و املاک خود را طبق صورت بر آورد شده بالغ بر

" شیر و خورشید وزارت دادگستری ثبت کل اسناد و املاک برگ معاملات مشترک نوع سند . . . دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵ درجه اول حوزه طهران این ورقه که در صفحه ۱۷۵ شماره ۲۶۸۲۱ دفتر ۴۵ سر دفتر ثبت . . . دفاتر اینجانب نماینده دفتر یار ثبت اسناد هم در صفحه ۹۱ - ۴۸ دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵ درجه اول . . . شماره ۲۶۷۹۷ در تاریخ ۲۴/۵/۹ به ثبت رسید بهر و یک وصیت نامه مورخ چهارم تیر ماه هزار و سیصد و بیست و چهار به خط و امضاء مرحوم حاج غلامرضا امین امین فرزند مرحوم محمدحسن دارای شناسنامه شماره ۱۲۲۴ از بخش طهران که در وصیت نامه مزبور تصریح کرده (آنچه فانی دانی غلامرضای امین امین دارم از طلب و ملک و نقد و . . . خانه مال متعلق به حضرت شوقی ربانی می باشد و جناب آقای میرزا ولی اله ورقا وکیل در حیات و وصی بعد از فوت فانی است که جمع آنرا بفروشد و به حضرت شوقی ربانی منتقل نماید و اولادهای فانی حقی از جمیع آنچه در دست و تصرف فانی است نیست) و وراثت آن مرحوم طبق گواهی نامه حصر وراثت شماره ۵۷۸ - ۱۹/۶/۴ صادره از شعبه سوم دادگاه بخش طهران منحصراً است به اشخاص نامبرده زیر:

- ۱ - بانو مسعوده امین امین دختر مرحوم علی به شناسنامه شماره ۱۱۵۲ (زوجه دائمه) ۲ - بانو قدسیه امین امین به شناسنامه شماره ۱۲۳۱ . ۳ - بانو فروغیه امین امین به شناسنامه شماره ۱۱۹۵ . ۴ - آقای تقی امین امین به

۱ - به نظر می رسد ، بهائیان قبل از سپردن وصیت نامه به مقامهای دولتی روی تعداد خانهها را سپاه کرده اند .

آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم در آنجا که فرموده است که هر که در آنجا که من هستم در آنجا که خداست

۱۲۰ شماره ۱۱۸۲۱ در ۲۰ آذر ماه ۱۳۸۰ خورشیدی

شماره ۱۱۸۲۱ تاریخ ۱۱/۵/۸۰

حضرت آیت الله العظمی فاضل دیوبند در آنجا که فرموده است که هر که در آنجا که من هستم در آنجا که خداست

شماره ۱۱۸۲۱ تاریخ ۱۱/۵/۸۰

حضرت آیت الله العظمی فاضل دیوبند در آنجا که فرموده است که هر که در آنجا که من هستم در آنجا که خداست

شماره ۱۱۸۲۱ تاریخ ۱۱/۵/۸۰

حضرت آیت الله العظمی فاضل دیوبند در آنجا که فرموده است که هر که در آنجا که من هستم در آنجا که خداست

شماره ۱۱۸۲۱ تاریخ ۱۱/۵/۸۰

حضرت آیت الله العظمی فاضل دیوبند در آنجا که فرموده است که هر که در آنجا که من هستم در آنجا که خداست

شماره ۱۱۸۲۱ تاریخ ۱۱/۵/۸۰

حضرت آیت الله العظمی فاضل دیوبند در آنجا که فرموده است که هر که در آنجا که من هستم در آنجا که خداست

شماره ۱۱۸۲۱ تاریخ ۱۱/۵/۸۰



شناسنامه شماره ۱۸۳۰۵ از بخش شش تهران . ۵ - آقای
 محسن امین امین به شناسنامه ۱۲۰۱ . ۶ - آقای لطفاله
 امین امین به شناسنامه شماره ۱۲۳۰ . ۷ - آقای مهدی امین
 امین به شناسنامه شماره ۱۲۰۰ . ۸ - آقای عزت‌اله امین
 امین به شناسنامه شماره ۴۸۱ که کلا از بخش چهار تهران
 صادر شده (هفت نفر نامبرده اولاد او می‌باشند) در تاریخ
 زیر حاضر شد ، آقای ولی‌اله و رقا فرزند مرحوم علی محمد
 به شناسنامه شماره ۱۴۱۴ ، از بخش ۲ تهران ، ساکن بخش
 سه خیابان قیصر آباد ، خانه شخصی وصی مخصوص مرحوم
 حاج علی غلامرضا امین امین به موجب وصیتنامه نامبرده
 بالا و وکیل تام‌الاختیار کلیه وراثت نامبرده بالا به موجب
 وکالتنامه رسمی شماره ۲۶۴۵۸ - ۲۶۴۸۲ - ۱۳۲۴/۴/۳۱
 این دفترخانه برای اجرای مدلول وصیتنامه نامبرده بالا
 تمامی و همگی املاک مرحوم حاج غلامرضا امین امین را چه
 نسبت به آنها تقاضای ثبت شده باشد و چه تقاضای ثبت
 نشده باشد و در صورت اول هرچه در جریان ثبت باشد و
 چه سند مالکیت صادر شده باشد باستثناء شش دانگ یک باب
 خانه پلاک شماره ۱۹۰۷ واقع در بخش ۴ تهران ، خیابان
 انتظام السلطنه ، به بیع قطع انتقال داد به مبلغ یکصد
 هزار ریال وجه رایج به آقای شوقی ربانی ، فرزند آقای هادی
 شیرازی ، دارای شناسنامه شماره ۵ از فلسطین ساکن حقیقا
 و آقای عنایت‌اله احمدپور میلانی فرزند مرحوم حاج . . .
 دارای شناسنامه شماره ۱۴۷۴۱ از بخش طهران ساکن بخش
 نامبرده خیابان تخت جمشید خانه شخصی وکیل مع‌الواسطه
 خود آقای شوقی ربانی قبول بیع نمود ، و طرفین کلیه خیارات
 متصوره و . . . اسقاط نمود و آقای و رقا اقرار به وصول ثمن

به توسط وکیل خریدار و آقای احمدپور وکیل خریدار اقرار . . . و تصرف کلیه مورد معامله که بین طرفین بعین و مشخص است نمودند . به طوری که حقی و نصیبی به هیچ عنوان برای موکلین فروشنده در مورد معامله باقی نماند . به تاریخ نهم مرداد ماه ۱۳۲۴ - محل امضاء ولی اله و عنایت اله احمدپور میلانی بر احراز هویت متعاملین تمام مراتب مسطورہ در این ورقه در نزد اینجانب واقع شد . به تاریخ متن امضاء رونوشت برابر اصل است . به تاریخ ۲۷/۱۱/۴

محل مهر و امضاء دفتر کل دادگاههای
بخش طهران - رونوشت برابر اصل است"

رونوشت سند دیگری نیز در اختیار ماست که طی آن تأکید شده است ، مقصود از املاک و اموال غلامرضا امین امین که به شوقی افندی بخشیده شده ، کلیه دارائی او در سراسر ایران است و به املاک و اموال او در تهران منحصر نمی شود :

" شمر و خورشید وزارت دادگستری ، ثبت کل اسناد و املاک برگ داد و ستد مشترک نوع سند اقرار نامه دفترخانه رسمی شماره ۲۵ درجه اول حوزه طهران این برگ که در صفحه ۱۸۸ به شماره ۲۶۸۵۹ ، دفتر ثبت شده است در دفتر اینجانب نماینده ثبت اسناد هم در صفحه ۴۸۸۵۴ دفتر اسناد رسمی شماره ۲۵ ، در تحت شماره ۲۶۸۲۵ ، در تاریخ ۲۴/۵/۲۳ به ثبت رسید . در پیرو سند رسمی شماره ۲۶۸۲۱ - ۲۶۷۹۷ همین دفترخانه حاضر گردیدند . آقایان ولی اله ورفا و عنایت اله احمدپور میلانی هر کدام دارای . . . دفترخانه (وکلا و متعاملین) در سند نامبرده و بعد الحضور اقرار و اعتراف قانونی نمودند بر اینکه مقصود از ذکر جمله

قطعی و همگی املاک مرحوم نامبرده در کلیه نقاط ایران است. در تاریخ بیست و سوم مردادماه ۱۳۲۴ - محل امضاء ولی اله ورقا - عنایت اله - احمد پور میلانی - با احراز هویت اقرارکنندگان تمام مراتب مسطور در . . . در نزد اینجانب واقع شده - به تاریخ متن - امضاء . رونوشت برابر اصل است. محل مهر و امضاء مدیر کل دادگاههای بخش طهران تاریخ ."

سند مالکیت گلستان جاوید

بدین ترتیب کلیه املاک و اموال حاج غلامرضا امین امین که گفتیم بالغ بر ۲۸۷ میلیارد دلار بوده است، در اختیار شوقی افندی پیشوای وقت بهائیت قرار می‌گیرد. از جمله باغ مورد بحث ما که بعداً "گلستان جاوید" نامیده شد و به گورستان بهائیان مبدل گردید. ما رونوشت سند مالکیت این اراضی را که شماره پلاک آن ۳۷۴۲ است، در اختیار داریم. متن این رونوشت به شرح زیر است:

وزارت دادگستری ثبت کل اسناد و املاک
 $\frac{۶۸۳۲۶۶}{۴۷/۱۵/۷}$

رونوشت ماشین‌نویسی سند مالکیت پلاک ۳۷۴۲ بخش سه تهران

شماره پلاک ۳۷۴۲ بخش سه تهران شماره صفحات

ثبت املاک در دفتر املاک ۹۹ ص ۴۷۱ ذیل شماره ۱۲۳۱۷

شیر و خورشید وزارت دادگستری - ثبت اسناد و املاک -

تاریخ ثبت ملک ۲۹/۲/۵ - نام و نام خانوادگی مالک و

محل صدور آن: آقای شوقی ربانی، فرزند آقای هادی

شیرازی، دارای شناسنامه شماره ۵ از قنصلگری ایران در

فلسطین تابع ایران، ملک و محل آن ششدانگ یک قطعه باغ

مشجر به شماره ۶ سه هزار و هفتصد و چهل و دو، واقع در بخش سه تهران، حسن آباد خارج دروازه اسب دوانی زیر اراضی امیرآباد که مورد تقاضای ثبت آقای حاج غلامرضا امین امین بوده و به نام او آگهی و به مالک انتقال یافته حدود و مشخصات شمالا و شرقا دیواری است به اراضی شماره سه هزار و هفتصد و چهل و یک جنوبا دیواری است به خیابان شیراز غربا دیواری است به خیابان سابق امیرآباد، بها یک میلیون و سیصد و شصت و هشت هزار و شصت ریال، این برگ که مطابق است با ثبت دفتر املاک بر حسب دستور (خوانده نشد) و قانونا ثبت اسناد و املاک به آقای شوقی ربانی داده می شود و سند رسمی است.

رئیس ثبت شمال تهران - امضاء ۲۹/۲/۱۵

رسیدگی سه قطعه باغ پلاک ۳۷۴۲ بخش سه را آقای

غلامرضا امین امین به شرح اظهارنامه مورخ فروردین ۱۳۱۲

تقاضا و ضمن اعلانات ششماهه به این عبارت (آقای حاج

غلامرضا امین امین شش دانگ یکقطعه باغچه از اراضی امیر -

آباد) آگهی و طبق صورتمجلس تجدیدی مورخ ۱۲/۹/۱۶

بدون حضور و امضاء (یک کلمه خوانده نشد) تجدید و در

آنجا ذکر لزوم مباحی شده، اخیرا آقای عنایت اله احمدپور

ضمن درخواست رسیده شماره ۱۰۲۵۶ - ۲۸/۸/۹ به اظهار

وکالت از طرف آقای شوقی ربانی به نام موکل خود تقاضای

صدور سند نموده و مدارک زیر تسلیم داشته.

۱ - رونوشت حصر وراثت ۵۷۸ - ۱۹/۶/۴ شعبه سه

دادگاه بخش مبنی بر مرگ آقای غلامرضا امین امین و انحصار

ورثه بانو مسعوده زوجه و بانوان قدسیه و فروغیه و آقایان

تقی - محسن - لطف اله - مهدی - عزت اله فرزندان.

۲ - رونوشت اقرار نامه‌های ۱۸۳۳۶/۱۸۳۰۵ - ۱۹/۹/۱۳ و ۲۲۲۷۳/۲۲۲۴۲ - ۲۱/۴/۱۷ ورثه مرحوم غلامرضا امین امین مبنی بر اینکه جز خانه ۱۹۰۷ بخش ۴ کلیه اموال مرحوم غلامرضا امین با استثناء خانه پلاک ۱۹۰۷ بخش ۴ از مال آقای شوقی ربانی خریداری شده . ۳ - رونوشت سند ۲۶۸۵۹/۲۶۸۳۵ و اقرار نامه ۲۴/۵/۹ - ۲۶۸۲۱/۲۶۷۹۷ - ۲۴/۵/۲۳ مشعر بر اینکه آقای ولی اله ورقا وصی مورث و وکیل ورثه پیرو وصیت نامه مربوط کلیه املاک مرحوم غلامرضا امین را با استثناء خانه پلاک ۱۹۰۷ بخش ۴ انتقال به آقای شوقی ربانی داده . ۴ - رونوشت سند عادی انتقال مورخه ۲۵ رجب ۱۳۲۱ آقای ارباب جمشید به آقای محمد باقر که خریدار در ۵ محرم ۲۲ اقرار به خرید از جانب آقای غلامرضا نموده و در ۱۰/۵/۱ و ۱۰/۶/۱ به تصویب هیئت تصفیه رسیده . ۵ - رونوشت سند رسمی ۸/۶۱۳/۶۱۱ شیراز ۱۱/۱۲/۱۸ انتقالی آقای عبدالحسین دهقان به وکالت از ورثه مرحوم محمد باقر دهقان به آقای غلامرضا امین امین (رونوشت این دو سند برای تکمیل مدرک تقاضا داده شد) . چون تجدید بدون حضور و امضاء بوده مراتب ذیل درخواست رسیده به ۱۰۲۰۶ - ۲۸/۸/۹ قید و کسب تکلیف گردیده و در ۲۸/۹/۳ حاشیه همان تقاضا چنین دستور داده شده که در صورت امکان عملی طی ماده ۱۵ قانون ثبت یا تأیید متقاضی و امضاء مشارالیه در صورت مجلس تجدیدی اشکالی ندارد که برای انجام این عمل در ۲۸/۹/۷ آقای عنایت اله احمدپور ذیل صورت مجلس تجدیدی شرحی نگاشته و امضاء نموده است و از جهت امکان عملی طبق ماده ۱۵ شمال و شرق دیوار این ملک پلاک ۳۷۴۱ است که مجاور هم در تجدید

مورخه ۲۴/۲/۱۵ این دو قسمت را به دیوار این ملک محدود نمود. جنوب و غرب هم شارع یعنی خیابانهای شیراز و امیرآباد است و ملک هم محصور می باشد. در ذیل صورت مجلس تجدیدی تذکر داده شده که چون در مدرک تقاضا قید مساحت شده مساحتی شود. در ۲۸/۱/۶ طبق گزارش و نقشه پیوست پرونده به وسیله آقای (یک کلمه خوانده نشد) مساحتی به عمل آمده و به میزان ۱۷۴۸۵/۷۵ متر در آمده. ولی چون اولاً مدرک تقاضا دو سند است یکی با قید مساحت و دیگری بدون ذکر مساحت. بعلاوه مورد تقاضا به طور مطلق یک قطعه باغ بدون قید مساحت بوده و در آگهی هم همینطور ذکر مساحت نشده و از جهت اربعه محصور است. لذا مستخرجه هم یک قطعه باغ بدون ذکر طول و ابعاد و مساحت تهیه شد. پرونده حاکی از (یک کلمه خوانده نشد) نیست، ولی در زیر صورت مجلس تجدیدی عبارت (اراضی امیرآباد هیئت تصفیه اریاب جمشید توقیفی دولت است که ذکر شده و این قسمت به طور کلی بروایت اوراق پرونده ۳۹۱۴ - ۳۳ از وزارت دادگستری نسبت به اراضی اریاب جمشید (یک کلمه در اصل سند پاره شده) که اگر اشخاص رأساً تقاضای ثبت کرده اند هرگاه در مدت قانونی اعتراض رسیده جریان دعوای دنبال و تعیین تکلیف و نتیجه نشود. . . . (یک کلمه پاره شده) همین سند صادر می گردد و در صورت نداشتن پیشینه بازداشت و اقدام به هیئت تعیین بهاء و . . . حساب شده، پس از (پاره شده است) تذکرات به شرح مندرجات فوق است و مانع دیگری به نظر نمی رسد. رونوشت برابر ماشین نویسی است که به موجب فتوکپی گواهی شماره ۱۵۵۵ - ۴۷/۱۵/۱ بازپرس شعبه سه تهیه شده.

بایگان دایره ۶ شمال ثبت تهران - مهر و امضاء

امین امین کیست؟

اکنون که به اختصار از دارائی امین امین آگاه شدیم ، لازم می‌دانیم سخنانی کوتاه درباره کسانی که در بهائیت بدین نام مشهور شده‌اند ، بازگوئیم . ما دانستی‌های خود را درباره "امین" از نوشته صبحی مهتدی "کاتب وحی عبدالبهاء" ، "مبلغ بهائی‌گری" و کسی که از نزدیک با سران بهائیت همراه بوده و "بهائی‌زاده" نیز بوده گواه می‌آوریم . او در این باره چنین می‌نویسد :

" حاجی شاه محمد نام داشت و چون قطع کرد که بهائیت موعود بیان است تمام ثروت و دارائی خود را تسلیم بهاء کرد و در ازای این عمل به دو پاداش نائل گردید : یکی لقب امین‌البیان و دیگری مأموریت جمع حقوق ، و حقوقی که باید اهل بها رئیس مذهب را دهند صد نوزده از عایدات است ، حاجی شاه محمد امین مأمور جمع‌آوری این وجوه و ارسال آن به عکا بود ، و همچنان بر سر این کار ماند تا وقتی که در فتنه شیخ عبدالله کرد در میاندوآب آذربایجان کشته شد و بعد از او بهاء اخذ حقوق را به حاجی ابوالحسن اردکانی که مدتی در صحبت و خدمت حاجی شاه محمد مذکور روزگار به سر می‌برد وا گذاشت ، و این حاجی ابوالحسن که بعدها به حاجی امین معروف شد و مقام مهمی در بهائیت احراز کرد ، به طوری که خودش برای من و بسیاری از احباب حدیث می‌کرد ، اصلاً از بابیان ازلی بوده و موقعی هم ادعای من یظهري کرده و شرح ادعای وی به قراری که مکرر بیان آنرا از او شنیده‌ام چنین است : "زمانی که سید بهر به یزد آمد ، شبی در مجمعی بودیم ، ناگهان سید بهر اظهار داشت که دیشب ۲ ساعت و ۵ دقیقه از شب رفته به الهام غیبی ملهم

شدم! و همانا من بظهور موعود منم، حاضرین بی‌هیچ اندیشه و تأملی گفتند: آری دوره دوره، فوآد است، نباید دلیل و برهان طلبید، پای استدلالیان چوبین بود، و همه سر به سجده نهاده خاضع شدند. من نیز به تبعیت دیگران ساجد گشتم ولی با خود گفتم، اکنون که حال بر این منوالست و نفس ادعا برای قبول عوام کافیسست، من چرا اظهار نکند؟ دفعه دیگر که دور هم مجتمع شدیم، من پیش از همه آغاز سخن کرده گفتم که در شب گذشته نور الهی بر قلب من پرتو افکند و ذات من جلوه‌گاه محبوب حقیقی شد. مجلسیان و حتی شخص سید بهر بی‌هیچ چون و چرائی به سجود آمده گفتند حق لا ریب فیہ، دوره دوره، فوآد است و خلاصه از برکت دوره، فوآد آن ایام در هر گوشه صدائی بلند شد و از هر سری سودائی آشکار گشت.

اما سید بهر یکی از ابطال بابیه بود، و همان کس است که در عتبات عرش درجات بدن فاضل دربندی را به ضرب کارد مجروح ساخت، و لکن حاجی امین با همه این تفصیلات قدرت اینکه طوق عبودیت ازل را از گردن بنهد، نداشت و از طرفی حاجی شاه محمد او را به حال خود نمی‌گذاشت و به تبری از ازل و تولای به بهاء دعوت و دلالتش می‌کرد، بالاخره به سعی حاجی شاه محمد روی به سوی بهاء کرد و قرار بر تشریف به حضور او مقرر شد، قضا را آن ایام بهاء به عکا سرنگون شده بود و به موجب التزاماتی که به اداره حکومت سپرده از ملاقات و پذیرفتن اشخاص خارجی ممنوع بود و مأمورین دولت بسیار مواظب بودند که کسی از خارج به قشله (سربازخانه) که بهاء در آنجا محبوس بود نرود، و لذا راه آمد و شد زائرین بسته بود، فقط نفوس مهمه از

زوار را به حیل و تدابیر مخصوص کارگذاران بهاء به شرف حضور نائل می‌ساختند. و چون حاجی ابوالحسن به عکا وارد شد باب لقا را مسدود یافت پس به توسط وسائط عرض حاجات خود را نموده به الحاج خواهش زیارت کرد و چون از باب حل و عقد هر رأیی زدند موافق نبود و هر تدبیری اندیشیدند صواب نمی‌نمود، قرار بر این شد که در روزی که نوبت استحمام بهاء در حمام عمومی است او نیز چون ناشناسی به حمام رود و قامت مبارک را خوابیده زیارت کند! به شرط آنکه هیچگونه سخنی نگوید و حرکتی که مخالف حکمت باشد نکند. چون روز موعود فرا رسید و حاجی ابوالحسن به گرمابه اندر شد، بهاء نیز با یکی دو از اصحاب خود به حمام در آمد و هر گوشه قرار گرفت و دلاک را به تلطیف بدن و خضاب گیسو و محاسن و سر انگشتان خود امر کرده! سپس در جای خود دراز کشید حاجی امین با کمال احتیاط از زیر چشم نگران "جمال مبارک" بود، ولی از ترس جرئت تقرب نداشت "دل و جانم به تو مشغول و نظر بر چپ و راست - تا نفهمند حریفان که تو منظور منی!" قضا را حمام خلوت بود و جز دلاک شخص خارجی در بین نه، و حاجی منتہیز فرصت که به هر وسیله باشد اظهار حب و عشقی به مولای خود بنماید! از حسن اتفاق سعادتش مساعدت کرده دلاک برای شغلی بیرون رفت، حاجی به عجله تمام خود را به بهاء رسانده پایش را بوسه زد، بهاء گفت قرار ما این نبود، حاجی را این سخن و هم ترس اینکه مبادا دلاک برگردد و از این رابطه اطلاعی یافته مأمورین دولت را خبر دهد سراسیمه کرد، و چون خواست به جای خود بازگردد دست از پا نشناخته بر روی سنگهای مرمر بر زمین خورد و سر

تراشیده‌اش بشکست!

بالجمله حاجی امین به فراست دریافت که باید دست از هرچه هست بکشد و یکباره به بها پیوندد. این بود که خدمت امین البیان را از دل و جان اختیار کرد، تا پس از قتل او شغل امانت به وی تعلق گرفت، و چندی نگذشت که در عالم بهائیت معروف و به جمعیتشان مأنوس و محرم گردید، به طوری که هر وقت به هر خانه و به هر جا که وارد می‌شد، کسی را از زن و مرد از او پروا نبود و چون به شئون زندگی قیدی نداشت به هر جا که وارد می‌شد تکلفی ایجاب نمی‌کرد و از این جهت خانه شخصی نداشت هر روز در جایی بود و هر شب در محلی می‌خوابید و پیوسته در گردش از کوی به کوی و از خانه‌ای به خانه‌ای و این همه راه سواره نمی‌رفت، حتی در اوائل کار خود مسافت شهری به شهری را پیاده طی می‌کرد، چنانکه یک سفر بدین نحو از تبریز به تغلیس رفت. وقتی برای من حدیث کرد که: "چون از طرف بها، ما مور به اخذ حقوق شدم و هنوز بسیاری از احباب با آنکه اسم مرا شنیده ولیکن خود مرا ندیده و نمی‌شناختند از قزوین پیاده به رشت وارد شدم، و لدی الورود به سراغ دکان آقا علی در سرای طاقی رفتم، قضا را یکی دو نفر از احباب نیز در دکان نشسته بودند که دیدند مردی قوی جثه با لباس مندرس و گردآلود در مقابل دکان می‌پرسد، حجره آقا علی قزوینی اینجا است؟ گفتند بلی شما کیستید و چه کار دارید؟ گفتم: من ابوالحسن ارکانیم، آقا علی فی الحال مرا بشناخت و به درون دکانم خواند، بعد از تحقیق معلوم شد که آقایان حاضر از مبلغینند و خیال سفر قزوین را دارند و از آقا علی مصارف راه می‌خواهند، چون دریافتند که من

از قزوین پیاده آمده‌ام ، دلتنگ شدند که مبادا پیاده روی مبلغین بعدها به واسطه این عمل سنت سبیه شود . از این جهت نهانی از من به دست آویز حفظ عز و آبروی "امرالله" در ضمن عریضه شکایت به بهاء کردند ، ولی او در جواب گفته بود شهادت می‌دهیم که امین بر بهترین کالسکه‌های عالم سوار بوده !

از خصائص ذاتی حاجی امین این بود که به هیچ وجه حالت رقت قلب و رأفت نداشت ، هرکس از فقر و تنگدستی شکایتی بر او می‌برد و کمکی می‌خواست اگر مرد بود می‌گفت برو حمالی کن ، و اگر زن بود به اختیار شوهر دلالتش می‌کرد ! و در صورتی که آن عذر ناتوانی می‌آورد و این زیان جمال را بهانه می‌کرد ! می‌گفت غم مخور که راحتی ، گوشه‌ای بگیر و به خواب بعد از سه شبانه روز خواهی مرد و از ننگ سوال‌رهایی خواهی بیافت ! یا هر کسی که از او چیزی می‌خواست یا حواله وجهی از مرکز امر به او می‌نمود ، صفایی نداشت ، خواهش را مطلقاً رد می‌کرد و حواله را گاهی نکول می‌نمود ، از اینجهت رابطه خوشی با مبلغین نداشت ! بهترین کسان در نزد او اشخاصی بودند که به او تقدیم نقدینه می‌کردند ، در نزد او پارسا و ناپرهیزکار ، زانی و عقیف علی السویه بود ! و در نفس الامر عملی را قبیح نمی‌شمرد ! و با این گونه اقوال سر و کاری نداشت . او سیم و زر می‌خواست از هر دستی که عطا شود ، و حقوق الله می‌گرفت از هر وجهی که عاید گردد ، بسیار متأثر می‌شد اگر می‌دید یکی از دوستان خوان کرم گشاده و جمعی را به ضیافت خوانده ، بهتر می‌دانست که وجه این سوره مهمانی را تسلیم او کنند ، بسیار اتفاق می‌افتاد که در و لائم و غرائم در حضور

مهمانان محترم میزبان را به واسطه این عمل توبیخ کرده به حماقت منسوب می‌داشت، در مدت عمرش کسی را مهمان نکرده ولو عمری مهمان دوستان شده بود.

اعمال او اگر احباب به عنوان تبرک از او دست لافی می‌خواستند می‌گفت این خواهش را از من نکنید، زیرا شما (مثلاً) بیست نفرید، اگر من به هر یک قرانی بدهم بیست قران خسارت برده‌ام، و شما را یک قران عاید شده است، پس عمل را معکوس کنید، تا هر یک از شما قرانی زیان کرده و من دفعهٔ صاحب دو تومان شده باشم!

همیشه در جیب و بغل مقداری چاقو و شانه و بند زیر جامه و امثالها داشت و هر جا وارد می‌شد بساط خود را گسترده به داد و ستد مشغول می‌گشت، و از این راه مبلغی نیز فایده می‌برد. و چند دفعه، احباب عبدالبهاء را ازین کار اخبار کردند و عبدالبهاء هم او را منع فرمود ولی تأثیری در او نکرد.

خود را از جمیع خلق پست تر می‌شمرد، در هر جا می‌نشست با هر کس مأنوس می‌شد، بسیار جسور و قوی القلب بود و در راه بهائیت بسیار آزار دید، حبسها رفت و تحمل سختیها کرد.

قوای بدنیه‌اش کامل بود و شهواتش غالب، چندانکه اکثر با زنان بیوه و شوی مرده اظهار رغبت می‌فرمود و آنها را به مضاجعت میخواند، ولی به هیچ وجه گرد تصایبی نمی‌گردید، و هم به قول خود مشتری مال بی صاحب بود، همیشه در ضمن کلام می‌گفت: "خداوند من احمق پست فطرت را امین خود کرد تا به وعده خود وفا کرده باشد که" و نرید ان نمن علی الذین استضعفو فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم

الوارثین" (۱)

صبحی مهتدی در کتاب دیگری در وصف "حاجی امین" اضافه کرده،

می نویسد:

"... در کتاب صبحی گزارش کار و زندگی حاجی امین را نوشته‌ام، بد نیست بخوانید و این مرد را بشناسید و بدانید که برآستی به اندازه* یک سر سوزن دلسوزی برای کسی نداشت. کارش این بود که تا می‌تواند مردم را لخت کند و پولشان را بگیرد و به بالا بفرستد، مرد پرهیزکار و پاکدامن نیز نبود. سرا پا هوس بود، هر زنی که شوهرش می‌مرد بیدرنگ خود را به او می‌رسانید و از او کام می‌خواست و پایان بدی در زندگی داشت، ماه‌ها گرفتار بستر بود و بدنش زخمی و ریشمند شد تا درگذشت و جای خود را به حاجی غلامرضا داد که او را امین امین می‌گفتند، او نیز چند سال از این و آن گدایی کرد و برای شوقی فرستاد، ولی مانند حاجی امین در این کار توانا نبود. او فرزند یکی از بازرگانان بنام اصفهان بود و در جوانی خوشگذران بود. جز زن نخست خود که خویشاوندش بود و از او پسری به نام محسن داشت "صیغه" یکی از سران را هم پس از خودش گرفت و از او هم چند پسر و دختر به هم زد، و آن زن در آن خانه با ناز و کرشمه چنان خود را جا کرد که زن نخست را بیرون کرد و محسن زیر دست زن پدر افتاد و سختیها کشید، و پس از مرگ حاجی غلامرضا برادر دامادش که

۱ - خاطرات صبحی مهتدی، درباره بهائیکری - کتابفروشی سروش، چاپ

سرلشکر بود یا یکی دو تن سپاهی به خانه آن درگذشته رفت و زر و خواسته او را در چنگ گرفت. بعد از حاجی غلامرضا، ولی الله ورقا^۱ جانشین او شد و پولهایی از بهائیان می گرفت و برای شوقی می فرستاد و زمین و خانه بسیاری را به چنگ آورد و از سوی شوقی به نام خود کرد. " (۱)

انتقال اموال و املاک به شرکت امناء

تا زمانی که شوقی افندی زنده بود، طبعا کلیه املاک و اموال موقوفه بهائیان به نام او و در اختیار او بود. اما پس از مرگ شوقی، به دنبال اختلافاتی که در میان جانشینان او پیدا شد، و محفل بهائیان ایران برای تعلق و تصاحب ما ترک او دست به کار شد، چنانکه در جای دیگر به تفصیل گفته ایم، پس از اقدام به تشکیل شرکت امناء، کوشیدند تا کلیه ما ترک شوقی را که قبلا به دکتر علی محمد ورقا صلح شده و او نیز به شرکت امناء واگذار کرده بود، در این مرکز گرد آورند.

چون قبلا به حیف و میل حقوق دولت و خودداری از پرداخت مالیات بر صلح و مالیات بر ارث در این نقل و انتقالات اشاره کرده ایم، در اینجا دیگر از آن سخن نمی گوئیم. فقط با ارائه چهارده سند، از صدها سند و مدارکی که در این زمینه وجود دارد، نشان می دهیم که چگونه کلیه اسناد املاک را به شرکت امناء انتقال داده اند و اسنادی را نیز که قبلا به شرکت منتقل نشده بود، پس گرفته اند، تا بعدا به شرکت امناء انتقال دهند.

فتوکی این اسناد با شماره های ۲۳۵۲ - ۲۳۹/۹/۲۷ و ۷۷۱ - ۳۸/۱۱/۴ و ۷۶۴ - ۳۸/۱۱/۳ و ۲۳۵۶ - ۳۹/۹/۲۷ و ۲۲۵۷ - ۳۹/۹/۲۷ و ۷۶۵ - ۳۸/۱۱/۳ و ۳۳۵۹ - ۳۹/۹/۲۷ و ۷۶۸ - ۳۸/۱۱/۱۳ و ۲۲۵۷ -

۱- پیام پدر، فضل الله صبحی مهتدی، انتشارات امیرکبیر،

۳۸/۱۱/۳-۷۶۴ و ۳۹/۹/۲۷-۲۳۵۶ و ۳۸/۱۱/۳-۷۹۵ و ۳۹/۹/۲۷-۲۳۵۹ و ۳۸/۱۱/۱۳-۷۶۸، در اینجا از نظر خوانندگان می‌گذرد:

شرکت سهامی امناء - شماره ۲۳۵۹ - تاریخ ۳۹/۹/۲۷

ریاست محترم بخش ۹ ثبت املاک تهران

پرو نامه ۷۶۸-۳۸/۱۱/۳ این شرکت موضوع تبدیل سند مالکیت شش دانگ اعیانی یک قطعه باغچه پلاک ۴۴۳۱/۱ واقع در بخش ۹ طهران چون بواسطه موانعی تا حال سند فوق تبدیل و تعویض نگردیده و از طرفی مورد لزوم این شرکت می‌باشد لذا متمنی است مقرر فرمائید سند فوق را به انضمام شش برگ ضماط آن به آقای حسین مطلق نعیانده این شرکت تسلیم فرمایند.

با تقدیم احترامات فائقه - مدیر عامل شرکت امناء

علائی

شرکت سهامی امناء - ۲۶۸ - تاریخ ۳۸/۱۱/۱۳

ریاست محترم بخش ۹ ثبت املاک طهران

با تقدیم یک جلد سند مالکیت شش دانگ اعیانی یک قطعه باغچه دارای پلاک ۴۴۳۱/۱ واقع در بخش ۹ طهران کوجه تلفنخانه متمنی است مقرر فرمائید سند مالکیت آنرا بنام شرکت سهامی امناء تبدیل و تجدید نمایند و شش برگ رو نوشت گواهی شده دادنامه حصر وراثت و گواهی نامه مالیات بر ارث و اسناد رسمی صلحنامهها مدارک مالکیت این شرکت در پرونده ملک پلاک ۴۴۳۱ اصلی بایگانی است.

با تقدیم احترامات فائقه - مدیر عامل شرکت

عبدالعلی علائی.

در این مورد، باید به این نکته توجه داشت که هرگاه در یک سیستم، تغییراتی در پارامترها یا در ساختار آن رخ دهد، این تغییرات می‌تواند منجر به تغییر در خروجی سیستم شود. بنابراین، برای اطمینان از عملکرد صحیح سیستم، باید تغییرات را به دقت کنترل و مدیریت کرد.

همچنین، در صورت بروز تغییرات ناخواسته، باید به دنبال علل آن باشیم و اقدامات لازم را برای رفع آن انجام دهیم. این امر می‌تواند شامل بررسی دقیق سیستم، شناسایی عوامل مؤثر و اتخاذ تدابیر مناسب برای جلوگیری از تکرار آن باشد.

در ادامه، به بررسی تغییرات در پارامترهای سیستم خواهیم پرداخت. این تغییرات می‌تواند به دلایل مختلفی رخ دهد و می‌تواند منجر به تغییر در عملکرد سیستم شود.

یکی از دلایل اصلی تغییرات، تغییر در شرایط محیطی است. این تغییرات می‌تواند شامل تغییر در دما، رطوبت یا سایر عوامل محیطی باشد. این تغییرات می‌تواند منجر به تغییر در پارامترهای سیستم شود.

۱۰۰

۱۰۰

شرکت سهامی اماناء

- ۲۲۵۶ -

تاریخ ۲۷/۹/۳۹

ریاست محترم بخش ۹ ثبت املاک طهران

پیرو نامه ۷۶۴ - ۳/۱۱/۳۸ این شرکت در موضوع
تبدیل سند مالکیت یکباب خانه پلاک ۳۴۰۷/۶ واقع در
بخش ۹ طهران چون بواسطه موانعی تا حال سند مزبور
تعویض و تبدیل نگردیده و از طرفی مورد لزوم می باشد لذا
متمنی است مقرر فرمائید سند فوق را با شش برگ ضامن آن
به آقای حسین مطلق نماینده این شرکت تسلیم فرمایند .
با تقدیم احترامات فائقه - مدیر عامل شرکت اماناء
علائی

شرکت سهامی اماناء

- ۷۶۴ -

تاریخ ۳/۱۱/۳۸

ریاست محترم بخش ۹ ثبت املاک طهران

با تقدیم یک جلد سند مالکیت یکباب خانه دارای
پلاک شماره ۳۴۰۷/۶ واقع در بخش ۹ طهران خیابان
بوذرجمهری و دو برگ گواهی نامه حصر وراثت و گواهی نامه
مالیات برارت و چهار برگ رونوشت گواهی شده اسناد رسمی
صلحنامه ها متمنی است مقرر فرمائید سند مالکیت خانه مزبور
را به نام شرکت سهامی اماناء تبدیل و تجدید نمایند .
با تقدیم احترامات فائقه - مدیر عامل شرکت -
عبدالعلی علائی

تاریخ: ۱۳۸۷/۰۹/۰۴
شماره: ۷۹۴
پوسته: ۱۳۸۷/۰۹/۰۴

شرکت سهامی آبپاشی
تهران

شماره ثبت: ۳۳۳۳۳

صاحب (مدیر)

ریاست محترم جناب آقای

املاک طهران

www.golshan.com

با تقدیم یک جلد سند مالکیت یک باب خانه در آرای
ملاک شماره / ۳۱.۷۸۶ واقع در بخش ۱
طهران جیا بان بود رجستری و در برگه کواهی نامه
حضور داشت و کواهی نامه با نیات وزارت رجستراری
روایت کواهی شده است در رسمی صلحنامه هم
متمنی است مقرر فرمایید سند مالکیت خانه مزبور را به
شرکت سهامی آبپاشی بدهید و تجدید نماید .
با تقدیم احترامات فائقه - مدبر صنایع ملل شس
عبدالمصطفی عاشقی

۴۱۶

۱۳۸۷/۰۹/۰۴
۳۳۳۳۳

۱۳۸۷/۰۹/۰۴

شرکت سهامی امانا

- ۲۲۵۷ -

تاریخ ۲۹/۹/۲۷

ریاست محترم بخش ۹ ثبت املاک طهران

پیرو نامه ۷۶۵ - ۳۸/۱۱/۳ این شرکت در موضوع تبدیل سند مالکیت یکباب خانه پلاک ۴۴۳۱ واقع در بخش ۹ طهران چون بواسطه موانعی تا حال سند فوق تبدیل و تعویض نگردیده و از طرفی مورد لزوم این شرکت می باشد لذا متعنی است مقرر فرمائید سند فوق را بانضمامش برگ ضامم آن به آقای حسین مطلق نماینده این شرکت تسلیم فرمایند .

با تقدیم احترامات فائقه - مدیر عامل شرکت امانا

علاشی

شرکت سهامی امانا

- ۷۶۵ -

تاریخ ۳۸/۱۱/۳

ریاست محترم بخش ۹ ثبت املاک طهران

با تقدیم یک جلد سند مالکیت یکباب خانه دارای پلاک شماره ۴۴۳۱ واقع در بخش ۹ طهران کوچه تلفنخانه و دو برگ رونوشت گواهی شده دادنامه حصر وراثت و گواهینامه مالیات برارث و چهار برگ رونوشت اسناد رسمی صلحنامه ها متعنی است مقرر فرمائید سند مالکیت خانه مزبور را به نام شرکت سهامی امانا تبدیل و تجدید نمایند .

با تقدیم احترامات فائقه - مدیر عامل شرکت

میدالعلی علاشی

شرکت سهامی اماناء

- ۷۷۱ -

تاریخ ۳۸/۱۱/۴

ریاست محترم دایره شمال ثبت املاک طهران
 با تقدیم یک ورقه سند مالکیت یک قطعه زمین به
 مساحت ۲۵۶۲/۵۶ متر مربع پلاک شماره ۲۹۷/۴ واقع در
 بخش ۱ طهران و رونوشت گواهی شده دادنامه حصر وراثت
 و گواهینامه مالیات بر ارث و رونوشت گواهی شده چهار فقره
 صلحنامه‌های رسمی متضمنی است مقرر فرمائید سند مالکیت
 ملک مزبور را بنام شرکت سهامی اماناء تبدیل و تجدید نمایند
 و آقای مهندس یعقوب انصاری در اخذ سند مالکیت و انجام
 تشریفات قانونی آن سمت نمایندگی این شرکت را دارند.
 با تقدیم احترامات فائقه - مدیر عامل شرکت

علائی

شرکت سهامی اماناء

- ۲۳۵۲ -

تاریخ ۳۹/۹/۲۷

ریاست محترم دایره شمال ثبت املاک طهران
 پیرو نامه ۷۷۱-۳۸/۱۱/۴ این شرکت موضوع تبدیل
 سند مالکیت یک قطعه زمین پلاک شماره ۲۹۷/۴ واقع در بخش
 یک طهران چون بواسطه موانعی تا حال سند مزبور تعویض
 و تبدیل نگردیده و از طرف دیگر مورد لزوم می باشد علیهذا
 متضمنی است مقرر فرمائید سند فوق را با شش برگ ضعاف آن
 به آقای مهندس یعقوب انصاری نماینده این شرکت تسلیم
 فرمایند.

با تقدیم احترامات فائقه - مدیر عامل شرکت اماناء

علائی

فروش اراضی گورستان

پلاک شماره ۲۷۴۲ با بهتر بگویم باغ حروف به مبلغ بیست و پنج میلیون ریال
 خان شیرازی و با "گلستان جاوید" نیز یکی از این اراضی و املاک بود که
 همراه با سایر املاک و استاه، در اختیار شرکت سهامی امنا قرار گرفت و
 بعداً تفکیک شده به افراد مختلف فروخته شد.
 به عنوان نمونه، رونوشت چند برگ از اسناد معاملات پلاک ۲۷۴۲
 پلاک اصلی شماره ۲۷۴۲ یعنی اراضی مورد بحث، که بنام "باغ مشهور" تفکیک
 شده و توسط شرکت امنا به افرادی خاص و با توسط این افراد به کسان دیگر
 فروخته شده است ارائه می دهیم:

وزارت دادگستری - ثبت کل اسناد و املاک

برگ خلاصه معاملات غیر منقول ثبت شده

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۵۴ حوزه ثبت تهران - شماره پلاک ملک
 اصلی و ۲۷۴۲/۱۲۳۵ - محل وقوع ملک بخش سه تهران - شماره
 صفحه ثبت شده - شماره صفحه ثبت شده ۱۲۳۱۷ ص ۴۷۳ دفتر ۹۹ و جایی
 ۴۷۸۹۴ شماره ۳۴۸۵۲ ص ۳ دفتر ۲۵۱ و جایی ۲۵۵۵۹۴

معامل: جناب آقای مهدی مشایخی فرزند مرحوم علی اکبر
 به شناسنامه شماره ۷۳۷۵ صادره بخش هفت تهران
 متعامل: به شرح ظهر خلاصه:

مورد معامله و مبلغ: شش دانگ هر یک از دو قطعه زمین قطعات
 سوم و چهارم تفکیکی شماره ۵۹۲۶۵ - ۴۵/۱۱/۱۹ دایره
 شمال - هر یک به مساحت دویست و شصت و یک متر مربع

مغرور و مجزا شده از پلاک‌های فوق در قبال مبلغ دو بیست و هفتاد هزار ریال که تماما در مقابل مبلغ دو بیست و هشت هزار ریال در رهن و وثیقه فروشنده قرار گرفت .

حدود مورد معامله ؛ بموجب برگ تفکیکی شماره ۵۹۲۶۵ دایره شمال قطعه سوم شمالا بطول نه متر بقطعه ۳ و ۴ تفکیکی سابق شرقا بطول ۲۹ متر بقطعه دوم مورد تفکیک جنوبا بطول ۹ متر بکوچه هشت متری غربا بطول ۲۹ متر بقطعه چهارم مورد تفکیک - حدود قطعه چهارم شمالا بطول ۹ متر بقطعات ۲ و ۳ تفکیکی قبلی شرقا بطول ۲۹ متر بقطعه سوم مورد تفکیک جنوبا بطول ۹ متر بکوچه هشت متری غربا بطول ۲۹ متر بقطعه نه تفکیکی پلاک ۳۷۴۲/۲۷ که اسناد مالکیت مرقوم بنام شرکت سهامی امضاء صادر و سپس بموجب سند شماره ۲۱۲۵۷ این دفتر بفروشنده منتقل شده است .
محل امضاء - معامل - متعامل - سر دفتر - نماینده

وزارت دادگستری - ثبت کل اسناد و املاک

برگ خلاصه معاملات غیر منقول ثبت شده

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۵۴ حوزه ثبت تهران -
شماره پلاک ملک ۳۷۴۲ - بخش سه تهران - شماره صفحه
ثبت شده

معامل ؛ بشرح ظهیر خلاصه

متعامل ؛ آقای حسین جلالی زاده فرزند استاد احمد دارنده
شناسنامه شماره ۱۵۴۲۹ یزد .

مورد معامله و مبلغ ؛ شش دانگ هریک از دو قطعه زمین اولی
بمساحت ۳۱۲ متر مربع قطعه ۱۲ و دومی بمساحت ۳۱۲

متر مربع قطعه ۱۳ تفکیکی شماره مورد ثبت سند مالکیت
 فوق الذکر که در قبال مبلغ پانصد هزار ریال وجه رایج
 حدود مورد معامله؛ طبق صورت تفکیکی اول قطعه ۱۲ شمالاً
 بطول ۱۰ متر بکوچه ۸ متری احدائی شرقاً بطول $31/20$ متر
 بقطعه ۱۱ مورد تفکیک جنوباً بطول ۱۰ متر بقطعات ۲۰ و ۲۱
 مورد تفکیک غرباً بطول $31/20$ متر بقطعه ۱۳ مورد تفکیک
 دومی قطعه ۱۳ شمالاً بطول ۱۰ متر بکوچه ۸ متری احدائی
 شرقاً بطول $31/20$ متر بقطعه ۱۲ مورد تفکیک جنوباً بطول
 ۱۰ متر بقطعات ۱۹ و ۲۰ مورد تفکیک غرباً بطول $31/20$
 متر بقطعه ۱۴ مورد تفکیک.

امضاء حامل - شعاع اله علائی (مدیر عامل شرکت امضاء)
 متعامل - سر دفتر - نماینده

وزارت دادگستری - ثبت کل اسناد و املاک

برگ خلاصه معاملات غیر منقول ثبت شده

دفتر اسناد رسمی شماره ۳۴ تهران - شماره پلاک ملک
 $2742/26$ - بخش سه حسن آباد - شماره صفحه ثبت شده
 معامل: در ظهر ورقه قید شده است.
 متعامل: آقایان حسنعلی و جعفر قلی هر دو (حسن آذر
 داریانی) به ترتیب شناسنامه ۵۵ و ۳۱۳۱ حوزه ۲۲ تبریز.
 مورد معامله و مبلغ: شش دانگ قطعه سوم تفکیکی شماره ۹۲۴۹
 - $26/2/26$ دایره شمال مساحت ۱۴۱ متر مربع مفروز و
 باقیمانده از پلاک مورد ثبت در قبال پانصد و نود و پنجاه هزار
 ریال و با رقبه دیگر گلا در قبال هشتصد هزار ریال تنه
 قیمت در رهن فروشندگان است.

موضوع پرونده معامله ملکی تفکیکی مذکور شمالاً بطول ۱۲/۲۰ متر
 عرض ۱۱/۷۵ متر صورت مجلس شرقاً بطول ۱۱/۷۵ متر
 دیوار بست بخیا بان اصفالته امیر آباد جنوباً بطول ۱۱/۸۰ متر
 شرقاً بخیا بان شیراز غرباً بطول ۱۱/۷۵ متر بقطعه ۲۱ تفکیکی
 مالکیت محله مالکیت مورث ثبت بنام فروشندگان هر یک دو
 دانگ صادر شده است.

اعضای

وزارت دادگستری - ثبت کل اسناد و املاک

برگه علامه معاملات غیر منقول ثبت شده

دفتر اسناد رسمی شماره ۱۰۴ حوزه تهران شماره پلاک

پلاک ۲۷۲۲ - و ۱۲۳۰ - ۳۷۴۱ - بخش ۷ تهران شماره

معامله در تاریخ ۱۳۸۷/۰۲/۰۲

معامله در جناب آقای مهدی مشایخی فرزند علی اکبر بهمنشنامه

شماره ۲۷۲۲ از بخش ۷ تهران

تفکیک و شرح ظهر علامه

موضوع پرونده معامله ملکی تفکیکی

موضوع پرونده معامله ملکی تفکیکی صورت مجلس تفکیکی شماره

۲۸۲۲۷ شماره شمال عبارت از شمالاً بطول ۱۲ متر بکوچه

ثبت شرقاً احدائی شرقاً بطول ۲۷/۸۰ متر دیوار بست به

خیابان امیر آباد اصفالته جنوباً بطول ۱۲ متر بقطعه ۱۵

تفکیکی شرقاً بطول ۲۷/۸۰ متر بقطعه هفتم تفکیکی که اسناد

مالکیت مزبوره بنام شرکت امضاء صادر و حوسب بموجب سند

شماره ۲۱۲۰۷ این دفتر بفروشنده منتقل شده است.

اعضای

همچنین در پرونده بهائیان بیست و سه مورد از معاملاتی را که روی اراضی پلاک ۳۷۴۲ صورت گرفته است و در آنها یکی از طرفین معامله شرکت سهامی امانا و یا شخص و اشخاصی هستند که قبلاً قسمتی از اراضی مورد بحث را از شرکت مذکور خریده و بعد به کسانی دیگر فروخته‌اند، ثبت و ضبط است.

جالب توجه این است که شرکت امانا بهائیان موفق می‌شود میلیون‌ها متر از اراضی گورستان جاوید را از متری دویست تا سه هزار تومان در خیابان امیرآباد - از پمپ بنزین روبروی خیابان شیراز تا کوچه استاد شهریار درب غربی قزل قلعه - بفروشد و از این راه میلیون‌ها تومان سوء استفاده کند، بدون این که حتی یک شاهی مالیات بر درآمد یا مالیات بر ارث به دولت بدهد. چگونه ممکن است که بهائیان این اراضی را که با حکم (وقف) به ثبت رسیده و متعلق به اداره کل اوقاف مملکت و یا اوقاف تهران است با نیرنگ و همدستی دزدان دولتی به نام خود به ثبت و بفروش برسانند و روساء اوقاف مملکت هم به هیچوجه کوچک‌ترین دخالتی در این کلاهبرداری نکنند؟!

شرکتهای بهائیان (شرکت امناء)

اگرچه بهائیان ایران نتوانستند چون سایر کشورهای جهان اراضی موقوفه و اعتبارات وقفی خود را به ثبت برسانند ، ولی برای تمرکز این گونه سرمایه‌های مادی - که در حال حاضر پشتوانه فعالیت و تبلیغ هر فرقه و گروه و جمعیتی است - راههای دیگری اندیشیدند ، که نمونه آنها تشکیل شرکتهای "امناء" و "نونهالان" است و ما اینک درباره چگونگی این شرکتها و سرمایه آنها صحبت می‌کنیم :

شرکت امناء :

شرکت امناء که در سال ۱۳۳۲ ش (۱۹۵۸ - م) در ایران تشکیل شد ، در حقیقت یکی دیگر از سازمانهای نیمه مخفی بهائی است که برای معاملات ، قبول موقوفه ، و هدیه ، و ضبط ما ترک بهائیان بدون اولاد و احفاد به وجود آمده است . برای نخستین بار نظیر این شرکت در آمریکا در سال ۱۹۲۹ م (۱۳۵۸ ش) در واشنگتن تشکیل شد . این شرکت نوینیاد بدون اینکه تا آن روز سابقه داشته باشد توسط (هنری . ل . استیسون) وزیر امور خارجه وقت آمریکا به رسمیت شناخته شد و اعتبارنامه تأسیس آن از جانب وی به محافل مرکزی بهائیان آمریکا و کانادا صادر شد . شرکت مزبور که به نام "هیأت امناء" به ثبت رسید ، به موجب اظهار نامه تقاضا کنندگان به منظور :

عقد قرار داده است - اصول و ضوابط ایجاد و مدیریت شوراهای محلی و مناطق
معاملات تجاری و بالاخره انجام هرگونه معاملات مدنی و غیر مدنی تشکیل
شده بود. شوقی بهائی در این باره می نویسد:

«... تحصیل مستقل برای تشکیل شرکت امریکه به عنوان
هیأت امناء که از لحاظ غیرات بلکت یکی از شرکتهای رسمی
محسوب است موجب گردید که هیأت مستقل بتولید طبق
قانون به عقد معاملات و توارثها مبادرت نموده، الحاقی
به نام بنوعیه ثبت و آنرا کتبه از طریق وصیت و غیره به
جامعه بهائی اهلای می نمود به نام و عنوان رسمی مستقل مستقل
نماید...» (۱)

پس از تشکیل شرکت امناء امریکا و کانادا شرکتهای مشابهی تحت همین
عنوان در معالک زیر به وجود آمد:

- ۱ - شرکت محفل بهائیان هند و برمه در ژانویه ۱۹۳۳ در لاهور در
ایالت پنجاب، طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب ۱۸۶۵
- ۲ - شرکت محفل مرکزی بهائیان مصر و سودان، در دسامبر ۱۹۳۴،
طبق مصوبه محکمه مختلط کشور مصر.
- ۳ - شرکت امناء محفل مرکزی بهائیان استرالیا و ولاند، در
ژانویه ۱۹۳۸، طبق تأیید مدیر کل ایالت جنوبی استرالیا.
- ۴ - شرکت امناء غیر محدود و غیر انتفاعی محفل مرکزی بهائیان
جواثر بریتانیا، در اوت ۱۹۳۹، طبق قانون شرکتهای مصوب ۱۹۲۹.
بعد از به ثبت رسیدن پنج شرکت از طرف محافل مرکزی بهائیان در
پنج قاره عالم، بتدریج همه محافل بهائی مقیم کشورهای مختلف جهان
برای رسمیت دادن به تشکیلات بهائیت و ایجاد "هیأت امناء" و "شرکت